

## درس دوم پایه دوازدهم

### درس دوم پایه دوازدهم

الدَّرْسُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / خبر برای مبتدا) الثَّانِي (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»، فاعل گروه اول / صفت مفرد)

﴿... لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾

حجّ خانه [خدا] بر آن مردم، بر کسانی که بتوانند به سوی آن راه یابند، واجب الهی است.

﴿... ل (حرف، جر، عامل) نَه (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «علم»، / مجرور به حرف جر) عَلَيَّ (حرف، جر، عامل) النَّاسِ (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال»، / مجرور به حرف جر، علی الناس خبر مقدم) حِجُّ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مبتدای مؤخر) الْبَيْتِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) مَنِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به موصول / بدل از «الناس») اسْتَطَاعَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب الاستفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») إِلَى (حرف، جر، عامل) هِ (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر) سَبِيلًا (اسم، مفرد، مذکر / مؤنث، نکره / مفعول...﴾

نکته: کلمات «طریق - سبیل - حال» هم مذکرند و هم مؤنث

مَكَّةُ الْمَكْرَمَةُ وَالْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ

﴿... مَكَّةُ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «علم» / خبر برای مبتدایی که حذف شده) الْمَكْرَمَةُ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) وَ (حرف، عطف، غیر عامل) الْمَدِينَةُ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / معطوف) الْمُنَوَّرَةُ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)﴾

نکته: کلمات «المدینة - مکه - سندج و...» هرچند نام جایی هستند به هیچ عنوان جز اسم مکان عربی نیستند چون وزن اسم مکان ندارند

جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ أَمَامَ التَّلْفَازِ وَ هُمْ يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ.

اعضای خانواده روبه روی تلویزیون نشستند، در حالی که حاجیان را در فرودگاه تماشا می کردند.

جَلَسَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه فاعله «اعضاء» از نوع اسم ظاهر) أَعْضَاءُ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «العضو» وهو مذکر، معرفه به اضافه / فاعل از نوع اسم ظاهر) الْأُسْرَةَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه) أَمَامَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) التَّلْفَازِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) وَ (حرف، حالیه، غیر عامل) هُمْ (اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مبتدا) يُشَاهِدُونَ (فعل، مضارع للغائبین، ثلاثی مزید در باب مفاعلة، متعدی، معلوم / جمله فعلیه فاعله «او» از نوع ضمیر بارز متصل و خبر برای «هم») الْحُجَّاجَ (اسم، جمع،

مکسر «تکسیر»، مفرده «الحاج» و هو مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مفعول **فِي** ( حرف ، جر ، عامل) **الْمَطَارِ** )  
اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم مکان ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر

**توجه:** أسرة در معنای خانواده به " **أَسْر** " جمع بسته می شود.

نَظَرَ «عارف» إِلَى وَالِدَيْهِ فَرَأَى دُمُوعَهُمَا تَتَساقَطُ مِنْ أَعْيُنِهِمَا. فَسَأَلَ عَارِفٌ وَالِدَهُ مُتَعَجِّبًا: يَا أَبِي، لِمَ تَبْكِي؟!

عارف به پدر و مادرش نگاه کرد، پس اشک هایشان را دید که از چشمانشان پی در پی می افتند. پس عارف با تعجب و شگفتی از پدرش پرسید: ای پدرم، چرا گریه می کنی؟!

**توجه:** اگر بعد از یک اسم معرفه فعلی بیاید و آن فعل به آن اسم معرفه برگردد آن فعل جمله **حالیه** نام دارد

**توجه:** «عین» اگر به معنی «چشم» باشد جمعش می شود «أَعْيُنٌ - عُيُونٌ» و اگر به معنی «چشمه» باشد جمعش می شود «عُيُونٌ»

یادآوری: **لِمَ** از حرف جر و مای پرسشی تشکیل شده اما **لِمَ** خودش حرف جزم است آن ها را باهم اشتباه نگیرید

**توجه:** فعل «رأى» وقتی که به مضارع تبدیل شود «أ» آن از بین می رود یعنی به شکل «یری - تری - أرى» در می آید

**نَظَرَ** ( فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه فاعله «عارف» از نوع اسم ظاهر) «عارف» ( اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «علم» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **إِلَى** ( حرف، جر، عامل) **وَالِدَيْهِ** ( اسم، مثنی، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **ه**، ( اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **ف** ( حرف، عطف، غیر عامل) **رَأَى** ( فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه فاعله ضمیر مستتر «هو» ) **دُمُوعَ** ( اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «الدمع» و هو مذکر، معرفه به اضافه / مفعول) **هُمَا** ( اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **تَتَساقَطُ** ( فعل، مضارع، للغائبه، ثلاثی مزید در باب تفاعل، لازم، متعدی، / جمله فعلیه فاعله ضمیر مستتر «هی» و جمله حالیه) **مِنْ** ( حرف، جر، عامل) **أَعْيُنِ** ( اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «العین» و هی مؤنثه، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **هُمَا** ( اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **فَ** ( حرف، عطف، غیر عامل) **سَأَلَ** ( فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه فاعله «عارف» از نوع اسم ظاهر) **عارف** ( اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «علم» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **وَالِدَ** ( اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «اضافه» / مفعول) **ه** ( اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **مُتَعَجِّبًا** ( اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، نکره / حال) **یا** ( حرف، ندا، غیر عامل) **أب** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / منادا) **ی** ( اسم / ضمیر متصل للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف

الیه) **ل** (حرف ، جر ، عامل) **م** ( اسم ، پرسشی، نکره / مجرور به حرف جر) **تَبَكِّي** ( فعل ، مضارع ، للمخاطب ، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه فاعله ضمیر مستتر «أنت»)

حِينَمَا أَرَى النَّاسَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْحَجِّ، تَسْمُرُ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي؛ فَأَقُولُ فِي نَفْسِي: يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى!

پدر: وقتی مردم را می بینم که به حج می روند، خاطراتم از برابرم می گذرند؛ و با خودم می گویم: ای کاش من بار دیگر بروم.

نکته: واژه «أخرى» اسم تفضیل مؤنث می باشد که اسم تفضیل مذکر آن «أخر» می شود هر دو به معنی «دیگر» می باشند

**أَلَّابُ:** (اسم ، مفرد ، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) **حِينَمَا** (اسم / قید) **أَرَى** ( فعل ، مضارع ، للمتکلم وحده ، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه فاعله ضمیر مستتر «أنا») **النَّاسَ** ( اسم جمع، مذکر ، معرفه به «ال» / مفعول) **يَذْهَبُونَ** ( فعل ، مضارع ، للغائبين ، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه فاعله ضمیر بارز متصل و جمله حالیه) **إِلَى** ( حرف ، جر ، عامل) **الْحَجِّ**، ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **تَسْمُرُ** (( فعل ، مضارع ، للغائبية ، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه فاعله «ذکریات» از نوع اسم ظاهر) **أَمَامِ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «اضافه» / قید) **ي** ( اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **ذِكْرِيَاتِي** ( اسم ، جمع ، مؤنث سالم، مفرد «ذکری» ، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **ي** ( اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)؛ **فَ** ( حرف ، عطف ، غیر عامل) **أَقُولُ** ( فعل ، مضارع ، للمتکلم وحده ، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه فاعله ضمیر مستتر «أنا») **فِي** ( حرف ، جر ، عامل) **نَفْسِ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **ي** ( اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه ) **يَا** ( حرف ، ندا، غیر عامل) **لَيْتَ** (حرف، مشبهة بالعل، عامل) **نَ** (حرف، وقایه، غیر عامل) **ي** ( اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / اسم «لیت»)؛ **أَذْهَبُ** ( فعل ، مضارع ، للمتکلم وحده ، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه فاعله ضمیر مستتر «أنا») **مَرَّةً** ( اسم ، مفرد ، مؤنث، نکره / قید) **أُخْرَى** ( اسم ، مفرد، اسم تفضیل، مؤنث، نکره / صفت مفرد)

رُقِيَّةٌ وَلَكِنَّكَ أَدَيْتَ فَرِيضَةَ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ مَعَ أُمِّي!

رقیبه: ولی تو فریضة (عمل واجب) حج را همراه مادرم در سال گذشته بجا آوردی!

توجه: سه کلمه «سَنَةٌ یعنی سال» و «سِنَةٌ یعنی چرت» و «سَنَةٌ یعنی راه و روش» را باهم اشتباه نگیرید

**رُقِيَّةٌ:** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «علم» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) **وَلَكِنَّ** ((حرف، مشبهة بالعل، عامل) **ك** ( اسم / ضمیر متصل للمخاطب، معرفه به ضمیر / اسم «لیت») **أَدَيْتَ** (فعل، ماضی ، للمخاطب، ثلاثی مجرد،

متعدی، معلوم، / جمله فعلیه فاعله ضمیر بارزمتصل «ت» و خبر «لکن» **فَرِيضَةً** (اسم، مرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول) **الْحَجِّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **فِي** (حرف، جر، عامل) **السَّنَةِ** (اسم، مرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **الْمَاضِيَةِ** (اسم، مرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **مَعَ** (اسم، مرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) **أُمَّ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) **ي** (اسم / ضمیر متصل للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

الأُمُّ: لَقَدْ اشْتَأَقَ أَبُو كُفَيْلٍ إِلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ وَكَذَلِكَ الْبَقِيْعُ الشَّرِيفِ.

مادر: پدرتان مشتاق دو حرم شریف: مسجد الحرام و مسجد پیامبر؛ و همینطور (قبرستان) بقیع شریف شده است.

**الأُمُّ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) **ل** (حرف، موثقه للقسمة، غیر عامل) **قَدْ** (حرف، تحقیق، غیر عامل) **اشْتَأَقَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ابو» از نوع اسم ظاهر) **أَبُو** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **كُفَيْلٍ** (اسم / ضمیر متصل، للمخاطبين، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **إِلَى** (حرف، جر، عامل) **الْحَرَمَيْنِ** (اسم، مثنی، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **الشَّرِيفَيْنِ** (اسم، مثنی، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **الْمَسْجِدِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / بدل) **الْحَرَامِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **وَ** (حرف، عطف، عامل) **الْمَسْجِدِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / معطوف) **النَّبَوِيِّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **كَ** (حرف، جر، عامل) **ذَلِكَ** (اسم، اشاره للبعید، مفرد، مذکر، معرفه به اشاره / مجرور به حرف جر) **الْبَقِيْعِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره) **الشَّرِيفِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

عارف: أ أنتِ مُشْتَأَقَةٌ أَيضاً؛ يا أمَاه؟ عارف: ای مادر، آیا تو نیز مشتاق هستی؟!

**عارف** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «علم» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) **أ** (حرف، پرسشی، غیر عامل) **أنتِ** (اسم / ضمیر متصل، للمخاطبة، معرفه به ضمیر / مبتدا) **مُشْتَأَقَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مفعول گروه دوم، نکره / خبر از نوع مفرد) **أيضاً** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، نکره / مفعول مطلق) **يا** (حرف، ندا، غیر عامل) **أمَاه** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه، / منادی)

الأُمُّ: نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ يَا بَنِيَّ. مادر: بله، البتّه پسرکم.

**الأُمُّ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) **نَعَمْ** (حرف، جواب، غیر عامل)، **بِ** (حرف، جر، عامل) **التَّأَكِيدِ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **يا** (حرف، ندا، غیر عامل) **بَنِيَّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / منادی) **ي** (اسم / ضمیر متصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر، / مضاف الیه)

أَتَابُ: كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَ يَرَى هَذَا الْمَشْهَدَ، يَشْتَاقُ إِلَيْهَا. پدر: هر مسلمانی وقتی این صحنه را می بیند، مشتاق آن می شود.

**أَتَابُ** (اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) **كُلُّ** (اسم ، مفرد، مذکر، نکره / مبتدا) **مُسْلِمٍ** (اسم ، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) **حِينَ** (اسم ، مفرد، مذکر، / قید) **يَرَى** (فعل ، مضارع ، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستر «هو») **هَذَا** (اسم ، اشاره، للقرب، مفرد، مذکر، معرفه به اشاره / مفعول) **الْمَشْهَدِ** (اسم ، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره) **يَشْتَاقُ** (فعل ، مضارع ، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستر «هو») **إِلَى** (حرف، جر، عامل) **ها** (اسم / ضمیر متصل للغائبة ، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

عارف: ما هي ذكرياتكما عن الحج؟ عارف: خاطراتتان از حج چیست؟

**عارف** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه اول ، معرفه به «علم» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) **ما** (اسم ، پرسشی، نکره / خبر مقدم) **هي** (ضمیر منفصل، للغائبة ، معرفه به ضمیر / بدون نقش) **ذكريات** (اسم ، جمع ، مؤنث سالم، مفردة «ذكري» ، معرفه به «ال» / مبتدای مؤخر) **كما** (اسم / ضمیر متصل للمخاطبين، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **عن** (حرف ، جر، عامل) **الحج** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

نکته: اسم **عَلَم** هایی که بر وزن «**فاعل**، **مفعول**، **فعل**، **فُعيل**» می آیند حتما باید **تنوین** داشته باشند بازم **عَلَم** هستند نه نکره

أَتَابُ: أَتَذَكَّرُ حِيَامَ الْحُجَّاجِ فِي مَنَى وَعَرَفَاتٍ، وَرَمَى الْجَمْرَاتِ وَالطَّوَافَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ وَالسَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَ زِيَارَةَ الْبَقِيعِ الشَّرِيفِ.

پدر: چادرهای (خیمه های) حاجیان در منا و عرفات، رمی جمرات (پرتاب سنگ ها) و طواف (گردش) گرد کعبه شریف و سعی (دویدن) میان صفا و مروه و زیارت بقیع شریف را به یاد می آورم.

**أَتَابُ** (اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) **أَتَذَكَّرُ** (فعل ، مضارع ، للمتکلم وحده، ثلاثی مزید در باب تفعُّل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انا») **حِيَامَ** (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفردة «الخيمة» وهي مؤنثة ، معرفه به اضافه / مفعول) **الْحُجَّاجِ** (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» ، مفردة «الحاج» وهو مذکر ، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **فِي** (حرف ، جر، عامل) **مَنَى** (اسم ، مفرد مؤنث، معرفه به علم / مجرور به حرف جر) **و** (حرف، عطف، غیرعامل) **عَرَفَاتٍ** (اسم ، جمع مؤنث، سالم، معرفه به علم / معطوف) **و** (حرف، عطف، غیرعامل) **رَمَى** (اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / معطوف) **الْجَمْرَاتِ** (اسم ، جمع مؤنث، سالم، معرفه به «ال» . مضاف الیه) **و** (حرف، عطف، غیرعامل) **الطَّوَافِ** (اسم مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / معطوف) **حَوْلَ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / قید)

**الْكَعْبَةِ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال / علم» / مضاف اليه) **الشَّرِيفَةِ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **وَ** (حرف، عطف، غیرعامل) **السَّعْيِ** ( اسم ، مفرد ، مذکر، معرفه به «ال» / معطوف ) **بَيْنَ** ( اسم ، مفرد ، مذکر، معرفه به «اضافه» / قيد) **الصَّفَا** ( اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال / علم» / مضاف اليه) **وَ** (حرف، عطف، غیرعامل) **الْمَرْوَةِ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال / علم» / معطوف) **وَ** (حرف، عطف، غیرعامل) **زِيَارَةَ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال / معطوف) **الْبَقِيحِ** ( اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف اليه) **الشَّرِيفِ**. ( اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

أَنَا: وَأَنَا أَتَذَكَّرُ جَبَلِ النَّوْرِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءِ الْوَأَقِعِ فِي قِمَّتِهِ.

مادر: و من کوه نور را به یاد می آورم که پیامبر در غار حرا واقع در قله آن عبادت می کرد.

**أَنَا** ( اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) **وَ** (حرف، ابتدا، غیر عامل) **أَنَا** ( اسم / ضمیر منفصل للمتعلّم وحده، مهرفه به ضمیر / مبتدا) **أَتَذَكَّرُ** ( فعل ، مضارع ، للمتكلم وحده، ثلاثی مزید در باب تفعّل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انا» و خبر برای «انا» **جَبَلِ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «اضافه» / مفعول) **النَّوْرِ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف اليه) **الَّذِي** ( اسم موصول، مفرد ، مذکر ، معرفه به موصول / صفت مفرد) **كَانَ** (فعل ماضی ، للغائب، / از افعال ناقصه واسمه «النبي» از نوع اسم ظاهر) **النَّبِيِّ** ( اسم ، مفرد ، مذکر، معرفه به «ال» / اسم کان از نوع اسم ظاهر) **يَتَعَبَّدُ** ( فعل ، مضارع ، للغائب ، ثلاثی مزید در باب تفعّل ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» **فِي** (حرف ، جر ، عامل) **غَارِ** ( اسم ، مفرد ، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **حِرَاءِ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «علم» / مضاف اليه) **الْوَأَقِعِ** ( اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / بدل **فِي** (حرف ، جر ، عامل) **قِمَّةً** ( اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **هَ.** ( اسم / ضمیر متصل ، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف اليه)

رُقِيَّةٌ: أَنَا قَرَأْتُ فِي كِتَابِ التَّرِييَةِ الدِّيْنِيَّةِ أَنَّ أَوْلَى آيَاتِ الْقُرْآنِ نَزَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فِي غَارِ حِرَاءِ.

رُقِيَّة: من در کتاب دینی (کتاب دین و زندگی) خواندم که نخستین آیات قرآن در غار حرا بر پیامبر ﷺ نازل شد.

توجه: واژه «أولى» به معنی «یکم» «اسم تفضیل مؤنث است و «أولى» به معنی «شایسته تر» «اسم تفضیل مذکر است

**رُقِيَّةٌ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «علم» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) **أَنَا** ( اسم / ضمیر منفصل للمتعلّم وحده، مهرفه به ضمیر / مبتدا) **قَرَأْتُ** ( فعل ، ماضی للمتكلم وحده، ثلاثی مد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز «ت» و خبر برای «انا» **فِي** (حرف ، جر ، عامل) **كِتَابِ** ( اسم ، مصدر، مرد ، مذکر ، معرفه به اضافه /

مفعول) التَّربِيَّةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف اليه) الدِّيْنِيَّةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) أَنْ (حرف، مشبهة بالفعل، عامل) أَوْلَى (اسم، مفرد، مؤنث، اسم تفضيل، معرفه به اضافه / اسم أن) آيَاتٍ (اسم، جمع، مؤنث، معرفه به اضافه، / مضاف اليه) الْقُرْآنِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال / علم» / مضاف اليه) نَزَلَتْ (فعل، ماضی، للغائبه، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» و خبر برای أَنْ) عَلَيَّ (حرف، جر، عامل) النَّبِيِّ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) حِرَاءٍ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «علم» / مضاف اليه)

هَلْ رَأَيْتِ الْغَارَ؛ يَا أُمَّاهُ؟ ای مادر، آیا غار را دیدی؟

هَلْ (حرف، پرسشی، غیر عامل) رَأَيْتِ (فعل، ماضی للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز «ت» الْغَارَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول)؛ يَا (حرف، ندا، غیر عامل) أُمَّاهُ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه، / منادی)

أُمُّهُ: لَا، يَا بِنْتِي. الْغَارُ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ، لَا يَسْتَطِيعُ صُعودَهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ.

مادر: نه، ای دخترکم. غار بالای کوهی بلند واقع است، که فقط افراد قوی می‌توانند از آن بالا بروند. (که جز افراد قوی نمی‌توانند از آن بالا بروند.)

الام: (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است): لَا (حرف، منفی، غیر عامل)، يَا (حرف، ندا، غیر عامل) بِنْتِي (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه، / منادا ی) / ضمیر متصل للمتكلم، معرفه به ضمیر). الْغَارُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) يَقَعُ (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» و خبر برای «الغار») فَوْقَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) جَبَلٍ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف اليه) مُرْتَفِعٍ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / صفت مفرد) لَا (حرف، منفی، غیر عامل) يَسْتَطِيعُ (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب استفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الاقویاء» از نوع اسم ظاهر) صُعودَهُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مفعول) هِ (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف اليه) إِنَّا (حرف، حصر، غیر عامل) الْأَقْوِيَاءُ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «القوی» و هو مذکر، معرفه به «ال» / در نقش فاعل

وَأَنْتِ تَعْلَمِينَ أَنَّ رَجُلِي تُؤْمِنِي. و تو می‌دانی که پام درد می‌کند

وَ (حرف، حالیه، غیر عامل) أَنْتِ (اسم / ضمیر متصل للمخاطبه، معرفه به ضمیر / مبتدا) تَعْلَمِينَ (فعل، مضارع، للمخاطبه، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ی» أَنْ (حرف، مشبهة بالفعل، عامل) رَجُلٍ (اسم، مفرد، مؤنث،

معرفه به اضافه / اسم آن «/ سی (اسم / ضمیر متصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) (تَوَلَّمُ) فعل، مضارع، للغائبه، ثلاثی مزید در باب افعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» و خبر آن «ن» (حرف، و قایه، غیر عامل) ی / اسم / ضمیر متصل، للمتكلم، معرفه به ضمیر / مفعول)

رُقِيَّةٌ هَلْ رَأَيْتُمَا غَارَ ثَوْرٍ الَّذِي لَجَأَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ فِي طَرِيقِ هِجْرَتِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ؟

رُقِيَّة: آیا دیدید غار ثور را که پیامبر در راه هجرتش به مدینه منوره به آن پناه برد (برده بود)

رُقِيَّة (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «علم / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) هَلْ (حرف، پرسشی، غیر عامل) رَأَيْتُمَا (فعل، ماضی للمخاطبين، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز «تما») غَارَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) ثَوْرٍ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به علم / مضاف الیه) الَّذِي (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به موصول / صفت مفرد) لَجَأَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «النبي» از نوع اسم ظاهر) إِلَى (حرف، جر، عامل) هِ (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر) النَّبِيِّ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) فِي (حرف، جر، عامل) طَرِيقِ (اسم، مفرد، مذکر / مونث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) هِجْرَتِهِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / مضاف الیه) هِ (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) الْمَدِينَةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول) الْمُنَوَّرَةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

الْأَبُ: لا، يا عَزِيزَتِي؛ اَنَا أَتَمَمْتِي أَنْ أَتَشَرَّفَ مَعَ جَمِيعِ أَعْضَاءِ الْأُسْرَةِ وَ مَعَ الْأَقْرَبَاءِ لِزِيَارَةِ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ وَالْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ مَرَّةً أُخْرَى وَأَزُورَ هَذِهِ الْأَمَاكِنَ.

پدر: نه، ای عزیزم؛ من آرزو دارم که بار دیگر همراه همه اعضای خانواده و نزدیکان به زیارت مکه مکرمه و مدینه منوره مشرف بشوم و این مکانها را زیارت کنم (بینم).

الْأَبُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر در اصل فعل «قال» داشته که حذف شده است) لا (حرف، منفی، غیر عامل) يا (حرف، ندا، غیر عامل) عَزِيزَتِي (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / منادی) ي (اسم / ضمیر متصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) اَنَا (اسم / ضمیر منفصل للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مبتدا) أَتَمَمْتِي (فعل، مضارع، للمتكلم وحده، ثلاثی مزید در باب تفعّل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنا» و خبر برای «أنا») أَنْ (حرف، ناصبه، عامل) أَتَشَرَّفَ (فعل، مضارع منصوب، للمتكلم وحده، ثلاثی مزید در باب تفعّل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنا») مَعَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) جَمِيعِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) أَعْضَاءِ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «العضو» و هو مذکر، معرفه به اضافه / مضاف الیه) الْأُسْرَةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه) وَ (حرف، عطف، غیر عامل) مَعَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) الْأَقْرَبَاءِ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «القريب» و هو مذکر، معرفه به اضافه / مضاف الیه) لِ (حرف، جر، عامل) زِيَارَةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه



به اضافه / مجرور به حرف جر) **مَكَّةَ** (اسم ، مفرد، مؤنث، معفه به «علم» / مضاف الیه) **الْمُكْرَمَةَ** (اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **وَ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **الْمَدِينَةَ** (اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال / علم» / معطوف) **الْمُنُورَةَ** (اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال / صفت مفرد) **مَرَّةً** (اسم، مفرد، مؤنث ، نکره / قید) **أُخْرَى** (اسم، مفرد، مؤنث ،اسم تفضیل، نکره / صفت مفرد) **وَ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **أَزُورَ** (فعل ، مضارع منصوب، للمتکلم وحده، ثلاثی مجرد ، متعدی، معلوم / جمله فعلیه وفاعله ضمیر مستتر «أنا» و معطوف) **هَذِهِ** (اسم ، اشاره، للقریب، مؤنث ، معرفه به «اسم اشاره» / مفعول) **الْأَمَاكِنَ** (اسم، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرد «المکان»، اسم مکان، معرفه به اضافه / تابع اسم اشاره

المُعْجَم (اسم ، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه دوم، معرفه به «ال» / ....

أَلَمَ: به درد آورد

(مضارع: يُؤْلِمُ)

«رَجُلِي تُوْلِمُنِي: پایم درد می کند.»

اشْتَأَقَ: مشتاق شد (مضارع: يَشْتَأِقُ)

أُمَاهُ: ای مادرم

بُنَى: پسرکم

بُنَيْتِي: دخترکم

تَعَبَّدَ: عبادت کرد

التَّلْفَاز: تلویزیون

تَمَنَّى: آرزو داشت

(مضارع: يَتَمَنَّى)

الْخِيَام: چادرها «مفرد: الْخَيْمَةَ»

الرَّجُلُ: پا «جمع: الْأَرْجُلُ»

رَمَى الْجَمْرَاتِ: پرتاب ریگ ها

(در مراسم حج)

زَارَ ُ : دیدار کرد (مضارع: يَزُورُ)

«زُرْتُ: دیدار کردم»

السَّعَى : دویدن ، تلاش

الْقَمَمَةِ : قَلَهُ «جمع: الْقَمَمِ»

لَجَأُ إِلَى : به ... پناه بُرد

مَرَّ ُ : گذر کرد «مضارع: يَمُرُّ»

الْمَشْهَدُ : صحنه

عَيْنَ جَوَابِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مِنَ الْعَمُودِ الثَّانِي : جواب سؤال ها را از ستون دوم مشخص کن

عَيْنُ (فعل ، امر ، للمخاطب، ثلاثي مزيد در باب تفعيل، متعدي ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمير مستتر «انت») جَوَابُ (اسم ، مفرد ، مذکر، معرفه به «اضافه / مفعول) الْأَسْئَلَةِ (اسم ، جمع مکسر «تکسیر» و مفرده «السؤال» وهو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) التَّالِيَةِ (اسم، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) مِنْ (حرف جر، عامل) الْعَمُودِ (اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) الثَّانِي (اسم ، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

۱- لِمَاذَا لَمْ تَصْعَدْ وَالِدَةُ عَارِفٍ وَرَقِيَّةٌ جَبَلِ النُّورِ؟ جواب: لِأَنَّ رَجُلَ الْأُمِّ كَانَتْ تُؤَلِّمُهَا

چرا مادر عارف و رقیه از کوه نور بالا نرفت؟ - زیرا پای مادر درد می کرد.

لِ (حرف ، جر، عامل) مَاذَا (اسم، پرسشی ، نکره / مجرور به حرف جر) لَمْ (حرف ، جازمه، عامل) تَصْعَدُ (فعل ، مضارع، للغائبه، ثلاثي مجرد ، متعدي، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «والدته» از نوع اسم ظاهر) وَالِدَةُ (اسم ، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به اضافه / فاعل از نوع اسم ظاهر) عَارِفٍ (اسم ، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به علم / مضاف الیه) وَ (حرف ، عطف ، غیر عامل) رَقِيَّةٌ (اسم، مفرد، مؤنث ، معرفه به علم / معطوف) جَبَلِ (اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به اضافه / مفعول) النُّورِ (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) لِ ((حرف ، جر، عامل) أَنَّ (حرف ، مشبهه بالفعل ، عامل) رَجُلًا (اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / اسم أَنْ) الْأُمِّ (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) كَانَتْ (افعال ناقصه، للغائبه ، ثلاثي مجرد / از افعال ناقصه و اسم ضمير مستتر «هی») تُؤَلِّمُ (فعل ، مضارع، للغائبه ، ثلاثي مزيد در باب إفعال، متعدي ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمير مستتر «هی» و خبر کانت از نوع فعلیه) هَا (اسم / ضمير متصل، للغائبه ، معرفه به ضمير / مفعول)

۲- ماذا كان أعضاء الأسرة يُشاهدون؟ جواب: **الْحَجَّاجِ فِي السَّمَطَارِ**

اعضای خانواده چه چیزی می دیدند؟ - حاجیان در فرودگاه را

**ماذا** (اسم، پرسشی، نکره/مفعول **كان**) افعال ناقصه افعال ناقصه، للغائب، ثلاثی مجرد/ از افعال ناقصه واسمه «أعضاء» از نوع اسم ظاهر) **أعضاء** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» ومفردة «العضو» وهو مذکر، معرفه به اضافه/ اسم «كان» از نوع اسم ظاهر)) **الأسرة** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه) (**يُشاهدون**) فعل، مضارع، للغائبين، ثلاثی مزید در باب مفاعلة، متعدی، معلوم/ جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز «او» و خبر «كان از نوع جمله فعلیه)

۳- أين جلس أعضاء الأسرة؟ جواب: **أمام التلفاز**

اعضای خانواده کجا نشستند؟ - در برابر تلویزیون

**أين** (اسم، پرسشی، نکره/ قید) **جلس** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم/ جمله فعلیه فاعله «اعضاء» از نوع اسم ظاهر) **أعضاء** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» ومفردة «العضو» وهو مذکر، معرفه به اضافه/ فاعل از نوع اسم ظاهر) **الأسرة** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

كيف يكون جبل النور؟ جواب: **يكون مرتفعاً**

کوه نور چگونه می باشد؟ - بلند می باشد.

نکته: اگر «كيف» قبل از افعال ناقصه بیاید نقش **خبر مقدم** دارد اما اگر قبل فعلی غیر از افعال ناقصه قرار بگیرد «حال» می باشد؛ **كيف** وجدت ایران **حال**

۴- كيف (اسم، پرسشی، نکره،/ خبر مقدم «يكون» از نوع مفرد) **يكون** (افعال ناقصه افعال ناقصه، للغائب، ثلاثی مجرد/ از افعال ناقصه واسمه «جبل» از نوع اسم ظاهر) **جبل** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه/ اسم **يكون**) **النور** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۵- من كان يبكي؟ جواب: **والدا الأسرة**

چه کسی گریه می کرد؟ - پدر و مادر خانواده

**من** (اسم، پرسشی، نکره/ مبتدا) **كان** (افعال ناقصه افعال ناقصه، للغائب، ثلاثی مجرد/ از افعال ناقصه واسمه ضمیر مستتر «هو» **يبكي** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم/ جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» و خبر «كان» از نوع فعلیه)

إِعْلَمُوا (بدانید)

إِعْلَمُوا ( فعل ، امر ، للمخاطبین ، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو»

أَلْحَالُ (قید حالت)

أَلْحَالُ ( اسم ، مفرد ، مؤنث / مذکر، معرفه به «ال» / .....)

آیا ترجمه این سه جمله یکسان است؟

الف. رَأَيْتُ وُلْدًا مَسْرُورًا. پسر خوشحالی را دیدم.

رَأَيْتُ ( فعل ، ماضی ، للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز «ت» ) وُلْدًا ( اسم ، مفرد، مذکر ، نکره / مفعول) مَسْرُورًا ( اسم ، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه او، نکره / صفت مفرد)

ب. رَأَيْتُ الْوَلَدَ الْمَسْرُورَ. پسر خوشحال را دیدم.

رَأَيْتُ ( فعل ، ماضی ، للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز «ت» ) الْوَلَدَ ( اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / مفعول) الْمَسْرُورَ ( اسم ، مفرد، مذکر ، اسم مفعول گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

ج. رَأَيْتُ الْوَلَدَ مَسْرُورًا. پسر را خوشحال دیدم.

رَأَيْتُ ( فعل ، ماضی ، للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز «ت» ) الْوَلَدَ ( اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / مفعول) مَسْرُورًا ( اسم ، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه اول، نکره / حال)

مسروراً در جمله الف، و الْمَسْرُورَ در جمله ب چه نقشی دارند؟

آیا مَسْرُورًا در جمله ج نیز همان نقش را دارد؟

در جمله اول کلمه «مَسْرُورًا» صفت «وَلَد»، و در جمله دوم «المَسْرُورَ» صفت «الْوَلَد»، و در جمله سوم «مَسْرُورًا» حالت «الْوَلَد» است.

.....\*\*.....

ذَهَبَتِ الْبِنْتُ الْفَرِحَةُ دَخَتِرِ خُوشحَالِ رَفَتْ

**ذَهَبَتْ** ( فعل ، ماضی ، للغائبه ، ثلاثی مجرد ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْبِنْتُ» از نوع اسم ظاهر) **الْبِنْتُ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **الْفَرِحَةُ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

ذَهَبَتْ الْبِنْتُ فَرِحَةً. دختر باخوشحالی رفت حال(قد حالت)

**ذَهَبَتْ** ( فعل ، ماضی ، للغائبه ، ثلاثی مجرد ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْبِنْتُ» از نوع اسم ظاهر) **الْبِنْتُ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **فَرِحَةٌ**. ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / حال

الْبِنْتُ در جمله اول موصوف و در جمله دوم مرجع حال است، اما موصوف و مرجع حال نقش حساب نمی‌شود.

نقش الْبِنْتُ در هر دو جمله: ◀ فاعل

..... \* \* \* .....

برخی کلمات در جمله، حالت یک اسم را هنگام وقوع فعل نشان می‌دهند. به چنین کلماتی در فارسی «قید حالت» و در عربی «حال» می‌گوییم.

اِسْتَعْلَ مَنْصُورٌ فِي الْمَزْرَعَةِ نَشِيطًا. منصور فعالانه در کشتزار کار می‌کند

مرجع حال      حال (قید حالت)      در زبان عربی بسیاری از اوقات **قید حالت** در انتهای جمله می‌آید؛ مانند:

**اِسْتَعْلَ** ( فعل ، ماضی ، للغائب ، ثلاثی مزید در باب إفتعال ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله « مَنْصُورٌ » از نوع اسم ظاهر) **مَنْصُورٌ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «علم» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **فِي** ( حرف ، جر ، عامل) **الْمَزْرَعَةِ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم مکان ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **نَشِيطًا**. ( اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / حال)

وَقَفَ الْمُهَنْدِسُ الشَّابُّ فِي الْمَصْنَعِ مُبْتَسِمًا. مهندس جوان با لبخند در کارخانه ایستاد

**وَقَفَ** ( فعل ، ماضی ، للغائبه ، ثلاثی مجرد ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «المهندس» از نوع اسم ظاهر) **المهندس** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه دوم ، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **الشَّابُّ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه اول ، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **فِي** ( حرف ، جر ، عامل) **الْمَصْنَعِ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم مکان ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **مُبْتَسِمًا** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه دوم ، نکره / حال)

الْلَاعِبُونَ الْإِيرَانِيُّونَ رَجَعُوا مِنَ الْمُسَابَقَةِ مُبْتَسِمِينَ. بازیکنان ایرانی از مسابقه با لبخند باز گشتند

**الَّلَّاعِبُونَ** (اسم ، جمع ، مذکر، سالم، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مبتدا) **الَّإِيرَانِيُّونَ** (اسم ، جمع ، مذکر، سالم، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **رَجَعُوا** ( فعل ، ماضی ، للغائبین، ثلاثی مجرد ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر ارز متصل «واو» **مِنْ** ) حرف ، جر، عامل) **الْمُسَابِقَةِ** ( اسم ، / مصدر، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **مَبْتَسِمِينَ** . ( اسم ، جمع ، مذکر، سالم، اسم فاعل گروه دوم، نکره / حال)

هاتانِ الْبِنْتَانِ قَامَتَا بِجَوْلَةٍ عِلْمِيَّةٍ فِي الْإِنْتَرْنِتِ مَبْتَسِمَتَيْنِ . این دودختر، در اینترنت لبخند زنان به گردشی علمی پرداختند

نکته: فعل های «قام - جاء - أتى» همراه حرف جر «ب» به ترتیب به معنای «پرداخت، مشغول شد، انجام داد، اقدام کرد - آورد» می باشند

**هاتان** (اسم ، اشاره ، للقریب، مثنی، مؤنث، معرفه به اسم اشاره، / مبتدا) **الْبِنْتَانِ** (اسم، مثنی، مؤنث، معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره) **قَامَتَا** (فعل، ماضی، للغائبین، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ا» خیر برای «هاتان») **بِ** (حرف، جر، عامل) **جَوْلَةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مجرور به حرف جر) **عِلْمِيَّةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / صفت مفرد) **فِي** (حرف، جر، عامل) **الْإِنْتَرْنِتِ** (اسم ، مفرد ، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **مَبْتَسِمَتَيْنِ** . ( اسم ، مثنی، مؤنث ، اسم فاعل گروه دوم، نکره / حال)

همانطور که می بینید حال با مرجع حال مطابقت دارد.

مرجع حال: **الْمُهَنْدِسُ** / حال: **مَبْتَسِمًا**

مرجع حال: **الَّلَّاعِبُونَ** / حال: **مَبْتَسِمِينَ**

مرجع حال: هاتانِ الْبِنْتَانِ / حال: **مَبْتَسِمَتَيْنِ**

إِخْتَبِرَ نَفْسَكَ: عَيْنِ «أَحَالَ» فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ. خودت را بیازما: در جمله های زیر حال را مشخص کن

**إِخْتَبِرَ** (فعل ، امر ، مخاطب، ثلاثی مزید در باب إفتعال ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **نَفْسَكَ** (اسم، مفرد ، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مفعول) **كَ** (اسم / ضمیر متصل للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **عَيْنِ** (فعل ، امر ، مخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **«أَحَالَ»** . (اسم ، مفرد ، مؤنث / مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **فِي** (حرف، جر، عامل) **الْجُمْلِ** (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرده «الجملة» وھی مؤنث ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **التَّالِيَةِ** . (اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

۱- وَصَلَ الْمُسَافِرِينَ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ وَرَكِبَ الطَّائِرَةَ. مسافران با تاخیر به فرودگاه رسیدند و سوار هواپیما شدند.

← مرجع حال: المسافران، حال: مُتَأَخِّرِينَ

وَصَلَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْمُسَافِرِينَ» از نوع اسم ظاهر) الْمُسَافِرِينَ (اسم، مثنی، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) إِلَى (حرف، جر، عامل) الْمَطَارِ (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) مُتَأَخِّرِينَ (اسم، مثنی، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، نکره / حال مفرد) وَ (حرف عطف، غیر عامل) رَكِبَ (فعل، ماضی، للغائبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ال») الطَّائِرَةَ (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مفعول)

۲- تَجْتَهِدُ الطَّالِبَةُ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهَا رَاضِيَةً وَتَسَاعِدُ أُمَّهَا.

دانش آموز دختر در انجام تکالیف خود با خشنودی تلاش می کند و به مادرش کمک می کند.

← مرجع حال: الطَّالِبَةُ، حال: رَاضِيَةً

تَجْتَهِدُ (فعل، مضارع، للغائبة، ثلاثی مزید در باب إفتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله الطَّالِبَةُ» از نوع اسم ظاهر) الطَّالِبَةُ (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) فِي (حرف، جر، عامل) آدَاءِ (اسم..... معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) وَاجِبَاتِ (اسم، جمع، مؤنث، سالم، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) هَا (اسم / ضمیر متصل للغائبة، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) رَاضِيَةً (اسم، مفرد، مؤنث، نکره، / حال مفرد) وَ (حرف، عطف، غیر عامل) تَسَاعِدُ (فعل، مضارع، للغائبة، ثلاثی مزید در باب مفاعلة، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی») أُمَّ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مفعول) هَا. (اسم / ضمیر متصل للغائبة، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

۳- يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ. امروز تماشاگران با خوشحالی (شادی) تیم برنده خود را تشویق می کنند.

← مرجع حال: الْمُتَفَرِّجُونَ، فَرِحِينَ: حال

يُشَجِّعُ (فعل، مضارع، للغائبة، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْمُتَفَرِّجُونَ» از نوع اسم ظاهر) الْمُتَفَرِّجُونَ (اسم، جمع، مذکر سالم، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) فَرِيقَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مفعول) هُمُ (اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) الْفَائِزَ (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد) فَرِحِينَ (اسم، جمع، مذکر، سالم، نکره / حال مفرد)

۴- اَلطَّالِبَاتَانِ تَقْرَأَنِ دُرُوسَهُمَا مُجَدَّتَيْنِ.

دو دانش‌آموزِ دختر با جدیتِ درسهایشان را می‌خوانند.

← مرجع حال: اَلطَّالِبَاتَانِ، حال: مُجَدَّتَيْنِ

**اَلطَّالِبَاتَانِ** ( اسم ، مثنی ، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مبتدا) **تَقْرَأَنِ** فعل ، مضارع، للغائبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ا» و خبر برای الطالبتان **دُرُوسَ** ( اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» ، ومفرد «الدرس» وهو مذکر، معرفه به «ضافه» / مفعول) **هُمَا** ( اسم / ضمیر متصل للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **مُجَدَّتَيْنِ**. ( اسم ، مثنی ، مؤنث، اسم فاعل گروه دوم ، نکره / حال مفرد)

حال عموماً نکره

و صاحب حال، یا معرفه (علم، دارای ال، مضاف به معرفه) است یا نکره ای که بر عموم دلالت می کند مثل احد، کل انسان و ... .

اعلموا حال ۲

جمله حالیه جمله مربوط به معرفه

گاهی قید حالت به صورت جمله اسمیه همراه با حرف «واو حالیه» و به دنبال آن یک ضمیر می آید؛

الف. رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ. کشاورز را دیدم، در حالی که محصول را جمع می کرد.

**رَأَيْتُ** (فعل ، ماضی للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز «ت» ) **الْفَلَّاحَ** ( اسم ، مفرد، مذکر،

اسم مبالغة ، معرفه به «ال» / مفعول) **وَ** ( حرف ، حالیه، غیر عامل) **هُوَ** ( اسم / ضمیر منفصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مبتدا)

**يَجْمَعُ** (فعل ، مضارع، للغائبه ، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» و خبر برای «هو») **الْمَحْصُولَ**.

اسم ، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه اول، معرفه به «ال» / مفعول

نکته: زمانی «واو» حالیه داریم که در وسط جمله باشد

ب. أَشَاهِدُ قَاسِمًا وَ هُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ. قاسم را می بینم، در حالی که میان دو درخت نشسته است.



**أشاهدُ** ( فعل ، مضارع للمتکلم وحده، ثلاثی مزید در باب مفاعلة ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انا») **قاسماً** ( اسم ، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول ، معرفه به «علم» و ( حرف ، حالیه، غیر عامل) **هو** ( اسم / ضمیر منفصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مبتدا) **جالسٌ** ( اسم ، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول ، نکره / خبر از نوع مفرد ) **بین** ( اسم ، مفرد ، معرفه به «اضافه» / قید) **الشَّجَرَتَینِ**. ( اسم ، مثنی، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

إِخْتَبِرَ نَفْسَكَ: تَرَجِمَ آيَاتِ الْكَرِيمَةِ، ثُمَّ عَيَّنَ «الْحَال». خودت را بیازما: آیه های کریمه را ترجمه کن سپس حال را مشخص کن

**إِخْتَبِرَ** ( فعل ، امر ، مخاطب، ثلاثی مزید در باب إفتعال ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **نفس** ( اسم ، مفرد ، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مفعول) **ك** ( اسم / ضمیر متصل للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **تَرَجِمَ** ( فعل ، امر ، مخاطب، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **آيَاتِ الْكَرِيمَةِ** ( اسم ، جمع، مؤنث سالم، معرفه به «ال» / مفعول) **الْكَرِيمَةِ**، ( اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **ثُمَّ** ( حرف ، عطف ، غیر عامل) **عَيَّنَ** ( فعل ، امر ، مخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **«الْحَال»**. ( اسم ، مفرد ، مؤنث / مذکر، معرفه به «ال» / مفعول)

۱- ﴿... وَ خَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا﴾ النساء: ۲۸ ترجمه: و انسان ضعیف و ناتوان آفریده شده است.

← الْحَال: ضَعِيفًا

﴿... وَ خَلِقَ﴾ ( فعل ، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی ، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله «الانسان» از نوع اسم ظاهر) **الْإِنْسَانُ** ( اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / نائب فاعل از نوع اسم ظاهر) **ضَعِيفًا** ( اسم ، مفرد، مذکر، نکره / حال مفرد) ﴿

﴿... وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾ ترجمه: و سست نشوید و اندوهگین نباشید در حالی که شما برتر هستید

← الْحَال: أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ

نکته: اسم تفضیل مذکر را میتوان به شکل جمع مذکر سالم نیز جمع بست مثال: الافضلون / الافضلين

۲- ﴿... وَ﴾ ( حرف، ابتدا، غیر عامل) لا ( حرف، نهی، عامل) **تَهِنُوا** ( فعل، مضارع، للمخاطبین، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعله و فاعله ضمیر بارز متصل «او») **وَ﴾** ( حرف، ابتدا، غیر عامل) لا ( حرف، نهی، عامل) **تَحْزَنُوا** ( فعل، مضارع، للمخاطبین، ثلاثی

مجرد، لازم، معلوم / جمله فعله و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» و ( حرف ، حالیه، غیر عامل) **أَنْتُمْ** ( اسم / ضمیر منفصل ، للمخاطبین، معرفه به ضمیر / مبتدا) **الْأَعْلُونَ** اسم ، جمع ، مذکر ، سالم، اسم تفضیل ، معرفه به «ال» / خبر از نوع مفرد) ﴿

۳- ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ﴾ الْبَقَرَة: ۲۱۳

ترجمه: مردم امتی یگانه بودند و خداوند پیامبران را مژده دهنده فرستاد. ←الْحَال: مُبَشِّرِينَ

﴿كَانَ﴾ افعال ناقصه، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد / افعال ناقصه واسمه «النَّاسُ» از نوع اسم ظاهر) **النَّاسُ** ( اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / اسم «كان» از نوع اسم ظاهر) **أُمَّةً** ( اسم ، مفرد، مؤنث، نکره، / خیر «كان» **وَاحِدَةً** ( اسم ، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، نکره، / صفت مفرد) **فَ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **بَعَثَ** ( فعل ، ماضی ، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «اللَّهُ» از نوع اسم ظاهر) **اللَّهُ** ( اسم ، مفرد ، مذکر، معرفه به «علم» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **النَّبِيِّنَ** ( اسم، جمع ، مذکر، سالم، معرفه به «ال» / مفعول) **مُبَشِّرِينَ** ( اسم، جمع ، مذکر، سالم، نکره، / حال مفرد) ﴿

۴- ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾ الْفَجْر: ۲۷ و ۲۸

ترجمه: ای نفس آرام، با خشنودی خود و خوشنودی خدا (خشنود و خداپسند) به سوی پروردگارت بازگرد.

←الْحَال: رَاضِيَةً ، مَرْضِيَّةً

﴿يَا﴾ (حرف ، ندا، غیر عامل) آیه (اسم، نکره / منادی) **هَا** (حرف ، تنبیه، غیر عامل) **النَّفْسُ** ( اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / تابع «آیه») **الْمُطْمَئِنَّةُ** ( اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **ارْجِعِي** ( فعل ، امر ، مخاطب ، ثلاثی مجرد، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ی») **إِلَىٰ** (حرف ، جر، عامل) **رَبِّ** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **ك** ( اسم / ضمیر متصل للمخاطبة، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **رَاضِيَةً** ( اسم، مفرد ، مؤنث ، اسم فاعل گروه اول، نکره / حال مفرد) **مَرْضِيَّةً** ( اسم، مفرد ، مؤنث ، اسم فاعل گروه اول، نکره / حال مفرد / صفت مفرد) ﴿

۵- ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ الْمَائِدَة: ۵۵

ترجمه: سرپرست شما تنها خداوند و پیامبرش و کسانی هستند که ایمان آورده اند: کسانی که نماز بر پا می دارند و زکات می دهند.

←الْحَال: هُمْ رَاكِعُونَ

﴿إِنَّ﴾ (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) ما (حرف، كافه، غیر عامل) **وَلَيْ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **كُم** (ضمير متصل، للمخاطبین، معرفه به ضمير / مضاف الیه) **اللَّهُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «علم» / خبر از نوع مفرد) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **رَسُولُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / معطوف) **هُ** (اسم / ضمير متصل، للغائب، معرفه به ضمير / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **الَّذِينَ** (اسم، موصول، جمع، مذکر، معرفه به موصول / معطوف) **آمَنُوا** (فعل، ماضی، للغائبین، ثلاثی مزید در باب إفعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز «واو») **الَّذِينَ** (اسم، موصول، جمع، مذکر، معرفه به موصول / **يُقِيمُونَ** (فعل، مضارع، للغائبین، ثلاثی مزید در باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» **الصَّلَاةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **يُؤْتُونَ** (فعل، مضارع، للغائبین، ثلاثی مزید در باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» / معطوف) **الزَّكَاةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول) **وَ** (حرف، حالیه، غیر عامل) **هُمْ** (اسم / ضمير متصل، للغائبین، معرفه به ضمير / مبتدا) **رَاكِعُونَ** (اسم، جمع، مذکر، سالم، اسم فاعل گروه اول، نکره / خبر از نوع مفرد) ﴿

۱- لا تَهْنُوا: سست نشوید (وهن)

۲- يُؤْتُونَ: می دهند (آتی)

صفحه ۲۵

التمارين : تمرین ها

التمارين (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» مفرده «التمرین» وهو مذکر، معرفه به «ال» / ....

عَيْنٌ نَوْعَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. (نَوْعُ الْكَلِمَاتِ: اسْمٌ فَاعِلٍ وَ اسْمٌ مَفْعُولٍ وَ اسْمٌ مَكَانٍ وَ اسْمٌ مَبَالِغَةٍ وَ فِعْلٌ مَاضٍ وَ فِعْلٌ مُضَارِعٌ وَ مَصْدَرٌ وَ حَرْفٌ جَرٌّ وَ ...)

نوع کلماتی که در زیر آن ها خطی وجود دارد مشخص کن (نوع کلمه ها یعنی اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، و فعل ماضی و مضارع و مصدر و حرف جر و ...

**عَيْنٌ** (فعل، امر، مخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **نَوْعٌ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مفعول) **الْكَلِمَاتِ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **الَّتِي** (اسم، موصول، مفرد، مؤنث، معرفه به موصول / صفت مفرد) **تَحْتِ** (اسم، مفرد، معرفه به «اضافه» / قید) **هَا** (اسم / ضمير متصل، للغائبه، معرفه به ضمير / مضاف الیه و «تحتها» خبر مقدم) **حَظٌّ** (اسم مفرد، مذکر، نکره / مبتدای مؤخر) **نَوْعٌ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **الْكَلِمَاتِ** (اسم جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **اسْمٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر از نوع مفرد) **فَاعِلٍ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **اسْمٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) **مَفْعُولٍ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه اول، نکره / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **اسْمٌ** (اسم، مفرد،

مذکر، نکره / معطوف) **مَکَان** ( اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، نکره / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **اسْم** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) **مُبَالَغَةً** ( اسم / مصدر، مفرد، مؤنث، نکره / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **فَعْلٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) **مَاضٍ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / صفت مفرد) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **فَعْلٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) **مُضَارِعٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، نکره / صفت مفرد) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **مَصْدَرٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، نکره / معطوف) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **حَرْفٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) **جَرٌّ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) **وَ** (...)

« السَّيِّدُ مُسْلِمِيٌّ » مَزَارِعٌ. هُوَ يَسْكُنُ فِي قَرْيَةٍ بَطْرُودِ بِمُحَافَظَةِ مَازَنْدَرَانِ. إِنَّهُ رَجُلٌ صَادِقٌ وَ صَبَّارٌ وَ مُحْتَرَمٌ.

آقای مسلمی یک کشاورز است. او در روستای بطرود در استان مازندران زندگی می کند. او مردی راستگو و بسیار شکیبا و مورد احترام است.

« السَّيِّدُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) **مُسْلِمِيٌّ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «علم» / بدل) **مَزَارِعٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» / خبر از نوع مفرد) **هُوَ** (اسم / ضمیر منفصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مبتدا) **يَسْكُنُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» خبر از نوع فعلیه) **فِي** (حرف، جر، عامل) **قَرْيَةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **بَطْرُودِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «علم» / مضاف الیه) **بِ** (حرف، جر، عامل) **مُحَافَظَةِ** (اسم / مصدر، مفرد مؤنث، معرفه به اضافه / مضاف الیه) **مَازَنْدَرَانِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «علم» / مضاف الیه) **إِنَّ** (حرف، مشبهه بالفعل، عامل) **هُوَ** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / اسم إن) **رَجُلٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر از نوع مفرد) **صَادِقٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / صفت مفرد) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **صَبَّارٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغه، نکره / معطوف) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **مُحْتَرَمٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه دوم، نکره / معطوف)

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ شَاهِدَ جَمَاعَةً مِنَ الْمَسَافِرِينَ وَاقِفِينَ أَمَامَ مَسْجِدِ الْقَرْيَةِ. فَذَهَبَ وَ سَأَلَهُمْ عَنِ سَبَبِ وَقُوفِهِمْ فَقَالُوا: إِنَّ سَبَابَنَا مُعْطَلَةٌ.

در روزی از روزها گروهی از مسافران را ایستاده در برابر مسجد روستا دید. پس رفت و از علت ایستادنشان از آن ها پرسید و گفتند خودروی ما خراب شده است

**فِي** (حرف، جر، عامل) **يَوْمٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) **مِنِ** (حرف، جر، عامل) **الْأَيَّامِ** (اسم، جمع، مکسر / تکسیر) مفرده «اليوم» وهو مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **شَاهِدَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب مفاعلة، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **جَمَاعَةً** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مفعول) **مِنِ** (حرف، جر، عامل) **الْمَسَافِرِينَ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **وَاقِفِينَ** (اسم، مفرد،

مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره، / حال مفرد) **أمام** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/ قید) **مَسْجِدٍ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **الْقَرْيَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه/ مضاف الیه) **فَ** (حرف، جر عامل) **ذَهَبَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه فاعله ضمیر مستتر «هو») **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **سَأَلَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه فاعله ضمیر مستتر «هو») **هُمْ** (اسم / ضمیر متصل، للغائبین، معرفه به ضمیر / مفعول) **عَن** (حرف، جر، عامل) **سَبَبٍ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه، / مجرور به حرف جر) **وَقُوفٍ** (اسم، مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مضاف الیه) **هِم** (اسم / ضمیر متصل، للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **فَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **قالوا** (فعل، ماضی، للغائبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه فاعله ضمیر بارز متصل «واو») **إِنَّ** (حرف، مشبهه بالفعل، عامل) **سَيَّارَةً** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغه، معرفه به اضافه / اسم أن) **نا** (اسم / ضمیر متصل، للمتکلم مع الغیر، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **مَعْظَلَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مفعول گروه دوم، نکره / خبر أن)

فَاتَّصَلَ السَّيِّدُ مُسْلِمِيٌّ بِصَدِيقِهِ مُصَلِّحِ السِّيَّارَاتِ؛ لِكَيْ يُصَلِّحَ سَيَّارَتَهُمْ. وَجَاءَ صَدِيقُهُ وَجَرَ سَيَّارَتَهُمْ بِالْجَرَّارَةِ وَأَخَذَهَا إِلَى مَوْقِفٍ تَصْلِيحِ السِّيَّارَاتِ.

پس آقای مسلمی با دوستش تعمیرکار ماشین‌ها تماس گرفت؛ تا ماشین آن‌ها را تعمیر کند و دوستش آمد و ماشین‌ها را با تراکتور کشید و آن‌ها را به ایستگاه تعمیر ماشین‌ها برد

هر کلمه‌ای که حرف دوم آن «ف» باشد حتماً باب **إفْتَعَال** است؛ مثال: **اتَّصَلَ**، **إِتِّصَالَ**، **مِتَّحِدٍ**

**فَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **اتَّصَلَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب **إفْتَعَال**، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله **السَّيِّدُ** از نوع اسم ظاهر) **مُسْلِمِيٌّ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «علم» / بدل) **بِ** (حرف، جر، عامل) **صَدِيقٍ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **هِ** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **مُصَلِّحٍ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، / بدل) **السِّيَّارَاتِ** (اسم، جمع، مؤنث، اسم مبالغه، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **لِكَيْ** (حرف، ناصبه، عامل) **يُصَلِّحَ** (فعل، مضارع، منصوب، للغائب، ثلاثی مزید در باب **تَفْعِيل**، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **سَيَّارَةً** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مبالغه، معرفه به اضافه / مفعول) **هُمْ** (اسم / ضمیر متصل، للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **جَاءَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «صديق» از نوع اسم ظاهر) **صَدِيقٍ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **هِ** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **جَرَّ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **سَيَّارَةً** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مبالغه، معرفه به اضافه / مفعول) **هُمْ** (اسم / ضمیر متصل، للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **بِ** (حرف، جر، عامل) **الْجَرَّارَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مبالغه، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **أَخَذَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **ها** (اسم / ضمیر متصل، للغائبه، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **إِلَى** (حرف، جر، عامل) **مَوْقِفٍ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم

مکان، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **تَصْلِيح** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) **السَّيَّارات**. ( اسم، جمع، مؤنث، اسم مبالغه، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

ب- ما مِهْنَةُ صَدِيقِ السَّيِّدِ مُسْلِمِيٌّ؟ شغل دوست آقای مسلمی چیست؟

جواب: مِهْنَتُهُ مُصَلِّحُ السَّيَّاراتِ

ما (اسم، پرسشی، نکره، / خبر مقدم) **مِهْنَةُ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه، / مبتدای مؤخر) **صَدِيقِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) **السَّيِّدِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **مُسْلِمِيٌّ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «علم» / بدل)

ج- كَمْ جَاراً وَ مَجْروراً فِي النَّصِّ؟ چند جار و مجرور در متن وجود دارد؟

جواب: تسعةُ أَحْرَفٍ فِي النَّصِّ

ج- كَمْ (اسم، پرسشی، نکره، / خبر مقدم) **جَاراً** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / تمیز) از بحث ما خارج است) و (حرف، عطف، غیر عامل) **مَجْروراً** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه دوم، نکره / معطوف) **فِي** (حرف، جر، عامل) **النَّصِّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

توجه: مبتدا در این جا حذف شده که همان جواب یعنی **تسعةُ أَحْرَفٍ** می باشد

د- أَيْنَ يَعْيشُ السَّيِّدُ مُسْلِمِيٌّ؟ آقای مسلمی کجا زندگی می کند؟

جواب: هُوَ يَسْكُنُ فِي قَرْيَةٍ بِطَرُودِ بِمُحَافَظَةِ مازندران

أَيْنَ (اسم، پرسشی، نکره، / قید) **يَعْيشُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله **السَّيِّدُ** از نوع اسم ظاهر) **السَّيِّدُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **مُسْلِمِيٌّ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «علم» / بدل)

ه- أُكْتُبُ مُفْرَدَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ. مفرد این کلمات، را بنویس.

سَيَّارات: سيارَة

أَيَّام: يوم

رِجال: رَجُل

قَرْي: قَرْيَة

سَادَة: سَيِّد

مُصَلِّحُونَ: مُصَلِّحٌ أصدقاء: صَدِيقٌ مَوَاقِف: مَوَاقِفٌ جَرَّارَات: جَرَّارَةٌ جَمَاعَات: جَمَاعَةٌ

هـ- اُكْتُبَ (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثي مجرد، متعدي، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») مُفْرَدًا (اسم ف مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه دوم، معرفه به اضافه / مفعول) هَذِهِ (اسم، اشاره، للقریب، مفرد مؤنث، معرفه به اسم اشاره / مضاف الیه) الْكَلِمَات. (اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره)

٢) عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ. کلمه ناشناس را در هر مجموعه با بیان دلیل مشخص کن.

- |   |   |  |  |
|---|---|--|--|
| ١) الاصدقاء <input type="checkbox"/> دوستان | الأحباء <input type="checkbox"/> دوستان | الأقرباء <input type="checkbox"/> خویشان | الأربعاء <input type="checkbox"/> چهارشنبه |
| ٢) الطين <input type="checkbox"/> گل        | الملف <input type="checkbox"/> پرونده   | التراب <input type="checkbox"/> خاک      | الحجر <input type="checkbox"/> سنگ         |
| ٣) الأعين <input type="checkbox"/> چشمها    | الأكتاف <input type="checkbox"/> شانها  | الفاأس <input type="checkbox"/> تبر      | الأسنان <input type="checkbox"/> دندانها   |
| ٤) العراب <input type="checkbox"/> كلاغ     | العصفور <input type="checkbox"/> گنجشک  | الحمامة <input type="checkbox"/> کبوتر   | المائدة <input type="checkbox"/> سفره غذا  |
| ٥) العظم <input type="checkbox"/> استخوان   | اللحم <input type="checkbox"/> گوشت     | العام <input type="checkbox"/> سال       | الدّم <input type="checkbox"/> خون         |
| ٦) الخيام <input type="checkbox"/> چادرها   | أمس <input type="checkbox"/> دیروز      | غداً <input type="checkbox"/> فردا       | اليوم <input type="checkbox"/> امروز       |

عَيِّنِ (فعل، امر، مخاطب، ثلاثي مزيد در باب تفعیل، متعدي، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») الْكَلِمَةَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول) الْغَرِيبَةَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) فِي (حرف، جر، عامل)، كُلِّ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره، / مجرور به حرف جر) مَجْمُوعَةٍ ((اسم، مفرد، مؤنث، اسم مفعول گروه اول، نکره، / مضاف الیه) مَعَ (اسمف مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) بَيَانِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) السَّبَبِ. (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

١) الاصدقاء (اسم، جمع مکسر «تکسیر» و مفرد «الصديق» وهو مذکر، معرفه به «ال» / ) الأحياء (اسم، جمع، مکسر «تکسر» و مفرد «الحبيب» وهو مذکر، معرفه به «ال» / ) الأقرباء ((اسم، جمع، مکسر «تکسر» و مفرد «القریب» وهو مذکر، معرفه به «ال» / ) الأربعاء (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / )

٢) الطين (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / ) الملف (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / ) التراب (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / ) الحجر (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / )

٣) الأعين (اسم، جمع مکسر «تکسیر» و مفرد «العين» وهي مؤنث، معرفه به «ال» / ) الأكتاف ((اسم، جمع مکسر «تکسیر» و مفرد «الكتف» وهي مؤنث، معرفه به «ال» / ) الفأس (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / ) الأسنان (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «السن» وهي مؤنث، معرفه به «ال» / )

۴) **الْغُرَابِ** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / **الْعُصْفُورِ** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / **الْحَمَامَةِ** ( اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / **المائدة** ( اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / )

۵) **العَظْمِ** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / **اللَّحْمِ** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / **العام** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / **الدَّمِ** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / )

۶) **الْغِيَابِ** ( اسم، جمع مکسر «تکسیر» و مفرد «الخیمه» و هی مؤنث ، معرفه به «ال» / **أَمْسٍ** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه / **عَدَا** ( اسم، مفرد، مذکر، نکره / **اليوم** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / )

أَكْتُبِ الْمَحَلَّ الْعَرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. محل اعرابی (نقش) کلماتی که در زیرشان خطی وجود دارد بنویس

**أَكْتُبِ** (فعل ، امر ، مخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» **الْمَحَلَّ** ( اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / **مفعول**) **الاعرابي** ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **لِ** ( حرف جر، عامل) **لِكَلِمَاتٍ** ( اسم، جمع ، مؤنث ، سالم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **الَّتِي** ( اسم ، موصول، مفرد، مؤنث، معرفه به موصول / صفت مفرد) **تَحْتَ** ( اسم، مفرد، معرفه به اضافه» / قید)ها ( اسم / ضمیر متصل ، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه و خبر مقدم) **خَطٌّ**. ( اسم، مفرد، مذکر، نکره / مبتدای مؤخر)

۱. ﴿... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً...﴾ ای پروردگار ما در دنیا و در آخرت به ما نیکی بده

جمله هایی که در آن ها **منادا** وجود دارد آن ها را **فعلیه** در نظر بگیرید

به فعل های « أعطى - آتى - منح - وهب - رزق - علم - البس - جعل ..» فعل های **دومفعولی** می گویند

﴿... رَبِّ﴾ ( اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / **منادا**) **نا** ( اسم / ضمیر متصل للمتکلم مع الغیر، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **آت** (فعل ، امر ، مخاطب ، للمخاطب ، ثلاثی مزید در باب افعال، متعدی ، معلوم / فعل و فاعله ضمیر مستتر «أنت» **نا**) ( اسم / ضمیر متصل للمتکلم مع الغیر، معرفه به ضمیر / مفعول اول) **فی** (حرف ، جر، عامل) **الدُّنْيَا** ( اسم، مفرد، مؤنث، اسم تفضیل، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **حَسَنَةً** ( اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مفعول دوم) **وَ** ( حرف ، عطف، غیر عامل) **فی** ( حرف ، جر، عامل) **الْآخِرَةِ** ( اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **حَسَنَةً** ( اسم، مفرد، مؤنث، نکره / معطوف ) ﴿



۲. ﴿... جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾ حق آمد و باطل نابود شد

﴿... جَاءَ﴾ (فعل ، ماضی ، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْحَقُّ» از نوع اسم ظاهر) **الْحَقُّ** (اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) و (حرف ، عطف ، غیر عامل) **زَهَقَ** (فعل ، ماضی ، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الباطل» از نوع اسم ظاهر) **الْبَاطِلُ** (اسم، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) ﴿

۳. ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...﴾ از بردباری و نماز یاری بجوید.

﴿وَأَسْتَعِينُوا﴾ (فعل، امر، للمخاطبین ، ثلاثی مزید در باب إستفعال، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» )  
ب (حرف ، جر، عامل) **الصَّبْرِ** (اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) و (حرف ، عطف ، غیر عامل) **الصَّلَاةِ** (اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / معطوف) ﴿

۴. ﴿... فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ بی گمان حزب خدا چیره شدگان اند

هرگاه **ضمیر منفصل** میان دو اسم قرار بگیرد آن ضمیر منفصل **هیچ نقشی ندارد** و اسم **مستقیماً** بعد از آن **خبر** نام دارد  
﴿... ف﴾ (حرف ، ابتدا، غیر عامل) **إِنَّ** (حرف ، مشبهة بالفعل، عامل) **حِزْبَ** (اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / اسم **إِنَّ** الله) (اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «علم» / مضاف الیه) **هُمُ** (اسم / ضمیر منفصل ، للغائبین، معرفه به ضمیر / هیچ نقشی ندارد) **الْغَالِبُونَ** (اسم، جمع ، مذکر، سالم، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / خبر «إِنَّ» ﴿

۵. ﴿... كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ هر کسی چشندۀ مرگ است.

برای مذکر و مؤنث بودن «کُلُّ» به **اسم بعدش** نگاه می کنیم اگر مذکر بود می گوئیم «کُلُّ» مذکر و اگر مؤنث بود می گوئیم مؤنث

اگر دو اسم کنار هم بیایند و ترکیب اضافی داشته باشند و اسم دوم (مضاف الیه) نکره باشد می گوئیم اسم اول (مضاف) نیز نکره به حساب می آید

﴿... كُلُّ﴾ (اسم ، مفرد، مؤنث ، نکره، / مبتدا) **نَفْسٍ** (اسم ، مفرد، مؤنث ، نکره، / مضاف الیه) **ذَائِقَةُ** (اسم ، مفرد، مؤنث ، اسم فاعل گروه اول، نکره، / خبر از نوع مفرد) **الْمَوْتِ** (اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) ﴿

اُكْتُبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ نَصِّ الدَّرْسِ وَالتَّمَارِينِ

کلمه ای مناسب را برای توضیحات زیر از کلمات متن درس و تمرین ها بنویس

اُكْتُبْ (فعل ، امر ، مخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **كَلِمَةً** ( اسم ، مفرد، مؤنث ، نکره، /مفعول) **مُنَاسِبَةً** ( اسم ، مفرد، مؤنث ، اسم فاعل گروه دوم، نکره، /صفت مفرد) **لِ** ((حرف ، جر، عامل) **لِتَّوْضِيحَاتٍ** ( ( اسم، جمع ، مؤنث ، سالم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **التَّالِيَةِ** ( اسم ، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **مِنْ** ((حرف ، جر، عامل) **كَلِمَاتٍ** ( اسم، جمع ، مؤنث ، سالم، معرفه به «اضافه» مجرور به حرف جر) **نَصِّ** ( اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) **الدَّرْسِ** ( اسم ، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) و ((حرف ، عطف، غیر عامل) **التَّمَارِينِ** (اسم، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرد «التمرین» و هو مذکر، معرفه به «ال» / معطوف)

۱. اِبْنِ الصَّغِيرِ. پسر کوچکم **جواب: بُنَى**

. اِبْنِ ( اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «اضافه» / ..... ) **بُنَى** ( اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **الصَّغِيرِ**. ( اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

۲. بِنْتِ الصَّغِيرَةِ دختر کوچکم **جواب: بُنِيْتُ**

**بِنْتِ** (( اسم ، مفرد، مؤنث ، معرفه به «اضافه» / ..... ) **بُنِيْتُ** (( اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **الصَّغِيرَةِ** ( اسم ، مفرد، مؤنث ، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

۳. اَعْلَى الْجَبَلِ وَرَأْسَهُ. بالاترین (قسمت) کوه و سرِ آن **جواب: قَمَّة**

. اَعْلَى ( اسم ، مفرد، مذکر ، اسم تفضیل، معرفه به «اضافه» / خبر از نوع مفرد) **الْجَبَلِ** ( اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) و ((حرف ، عطف ، غیر عامل) **رَأْسُهُ** ( اسم ، مفرد، مذکر ، معرفه به «اضافه» / معطوف) هـ. ( اسم / ضمیر متصل للغائب ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

۴. مَكَانٌ وَقُوفِ السِّيَّارَاتِ وَالْحَافِلَاتِ. جای توقف خودر وها و اتوبوسها **جواب: مَوْقِفٌ**

**مَكَانُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به اضافه / خبر از نوع مفرد) **وَقُوفٍ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مضاف الیه) **السِّيَّاراتِ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، اسم مبالغه، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **الحافلاتِ**. (اسم، جمع، مؤنث، سالم، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / معطوف)

۵. سَيَّارَةٌ نَسْتَخْدِمُهَا لِلْعَمَلِ فِي الْمَرْعَةِ. خودرویی که آن را برای کار کردن در کشتزار به کار می گیریم **جواب**: الجرارة

یادآوری: جمله ای که بعد از اسم نکره می آید و آن را توصیف می کند **صفت جمله** نام دارد

**سَيَّارَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مبالغه، نکره / خبر از نوع مفرد) **نَسْتَخْدِمُ** (فعل، مضارع، للمتكلم مع الغير، ثلاثی مزید در باب استفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «نحن» و صفت جمله) **ها** (اسم / ضمیر متصل للغائبة، معرفه به ضمیر مفعول) **لِ** (حرف، جر، عامل) **لِلْعَمَلِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **فِي** (حرف، جر، عامل) **الْمَرْعَةِ**. (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

۶. صِفَةٌ لِجِهَازٍ أَوْ آلَةٍ أَوْ أَدَاةٍ بِحَاجَةٍ إِلَى التَّصْلِيحِ. ویژگی ای برای دستگاهی یا وسیله ای یا ابزاری که به تعمیر کردن نیاز دارد

**جواب**: معطلة

**صِفَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / خبر از نوع مفرد) **لِ** (حرف، جر، عامل) **جِهَازٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) **أَوْ** (حرف، عطف، غیر عامل) **آلَةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / معطوف) **أَوْ** (حرف، عطف، غیر عامل) **أَدَاةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / معطوف) **بِ** (حرف، جر، عامل) **حَاجَةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مجرور به حرف جر) **إِلَى** (حرف، جر، عامل) **التَّصْلِيحِ**. (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

لِلتَّرْجِمَةِ. برای ترجمه کردن

**لِ** (حرف، جر، عامل) **لِلتَّرْجِمَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

۱. كَتَبَ: نوشت	لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرَسَكِ؟ چرا درست را نمی نویسی
قَدْ كُتِبَ التَّمْرِينُ: تمرین نوشته شده است لَمْ تَكْتُبِي شَيْئاً. چیزی را ننوشتی (ننوشته ای)	
قَدْ (حرف، تحقیق، غیر عامل) كُتِبَ (فعل، مجهول، ماضی، ثلاثی مجرد، للغائب، متعدی / جمله فعلیه و نائب فاعله «التَّمْرِينُ» از نوع اسم ظاهر)	لِ (حرف، جر، عامل) لَمْ (اسم، پرسشی، نکره / مجرور به حرف جر) لَا (حرف، منفی، غیر عامل) تَكْتُبِينَ (فعل، مضارع، للمخاطبة، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ي»)

<p><b>دَرَسَ</b> (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مفعول)  <b>كِي</b> (اسم / ضمير متصل للمخاطبة، معرفه به  ضمير / مضاف اليه</p>	<p><b>التَّمَرِينُ</b> (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / نائب  فاعل)  <b>لَمْ</b> (حرف، جزم، عامل) <b>تَكْتُبِي</b> (فعل، مضارع،  للمخاطبة، ثلاثي مجرد، متعدی، معلوم / جمله  فعلیه و فاعله ضمير بارز متصل «ي») <b>شَيْئًا</b>. (اسم،  مفرد، مذکر، نکره / مفعول)</p>
<p>رَجَاءً، تَكَاتَبًا: لطفًا باهم نامه نگاری کنید</p>	<p>۲. تَكَاتَبَ: نامه نگاری کرد  الصَّدِيقَانِ تَكَاتَبَا: دو دوست باهم نامه نگاری کردند  تَكَاتَبَ الرَّمِيلَانِ: دو همکلاسی باهم نامه نگاری  کردند</p>
<p><b>رَجَاءً</b> (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول) <b>تَكَاتَبَا</b> (فعل،  امر، للمخاطبتين، ثلاثي مزيد در باب تفاعل، لازم،  معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ا» ضمير بارز متصل)</p> <p><b>نکته:</b> باب تفاعل فعل های ماضی و امر آن در صیغه  های مثنی و جمع دقیق مانند هم نوشته می شود باید  فقط از طریق جمله آنها را تشخیص داد</p>	<p><b>الصَّدِيقَانِ</b> (اسم، مثنی، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا)  <b>تَكَاتَبَا</b> (فعل، ماضی، للغائبين، ثلاثي مزيد در باب  تفاعل، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ا» ضمير  بارز متصل وخبر مبتدا)  <b>تَكَاتَبَ</b> (فعل، ماضی، للغائبين، ثلاثي مزيد در باب  تفاعل، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله  «الرَّمِيلَانِ» از نوع اسم ظاهر) <b>الرَّمِيلَانِ</b> (اسم، مثنی،  مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر)</p>
<p>لا تَمْنَعْنَا عَنِ الْخُرُوجِ. ما را از بیرون رفتن منع نکن  شاهدنا مانعاً بالطَّرِيقِ. در راه مانعی را دیدیم</p>	<p>۳. مَنَعَ: باز داشت، منع کرد  مُنِعَتْ عَنِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ. از مواد قندی منع شدی</p>
<p><b>لا</b> (حرف، نهی، غیر عامل) <b>تَمْنَعُ</b> (فعل، مضارع،  للمخاطب، ثلاثي مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و  فاعل ضمير مستتر «انت») <b>نا</b> (اسم / ضمير متصل  للمتكلم مع الغير، معرفه به ضمير / مفعول) <b>عَنِ</b>  (حرف، جر، عامل) <b>الْخُرُوجِ</b> (اسم / مصدر، مفرد، مذکر،  معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)  <b>شاهد</b> (فعل، ماضی، للمتكلم مع الغير، ثلاثي مزيد در  باب مفاعلة، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمير  بارز متصل «نا») <b>نا</b> (( اسم / ضمير متصل، للمتكلم مع  الغير، معرفه به ضمير / فاعل از نوع ضمير بارز متصل)  <b>مانعاً</b> (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول) <b>بِ</b> (حرف  جر، عامل) <b>الطَّرِيقِ</b> (اسم، مفرد، مذکر / مؤنث، معرفه به  «ال» / مجرور به حرف جر)</p>	<p><b>مُنِعَتْ</b> (فعل، مجهول، ماضی، ثلاثي مجرد، للغائب،  متعدی / جمله فعلیه و نائب فاعله ضمير بارز  متصل «ت») <b>عَنِ</b> (حرف، جر، عامل) <b>الْمَوَادِّ</b> (اسم،  جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «المادة» و هي مؤنثة،  اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مجرور به حرف  جر) <b>السُّكَّرِيَّةِ</b>. (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به  «ال» / صفت مفرد)</p>
<p>لا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ. از خوردن خوداری نکنید</p>	<p>۴. اِمْتَنَعَ: خودداری کرد  لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ: از بیرون رفتن خوداری  نخواهیم کرد</p>

	<p>كَانَ الْحَارِثُ قَدْ امْتَنَعَ عَنِ النَّوْمِ. <b>نگهبان از خوابیدن خوداری کرده بود</b></p>
<p><b>لا</b> (حرف، نهی، غیر عامل) <b>تَمْتَعُوا</b> (فعل، مضارع، للمخاطبین، ثلاثی مزید در باب إفتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» <b>عَنِ</b> (حرف، جر، عامل) <b>الأكل</b> (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)</p>	<p><b>لَنْ</b> (حرف، ناصبه، عامل) <b>نَمْتَعِ</b> (فعل، مضارع، للمتكلم مع الغير، ثلاثی مزید در باب إفتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «نحن») <b>عَنِ</b> (حرف، جر، عامل) <b>الخروج</b> (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) <b>كَانَ</b> (أفعال ناقصه، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، / از أفعال ناقصه واسمه «الحارث» از نوع اسم ظاهر) <b>قَدْ</b> (حرف، تحقیق، غیر عامل) <b>امتنع</b> (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» و خبر «كان») <b>عَنِ</b> (حرف، جر، عامل) <b>النوم</b>. (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)</p>
<p>أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ <b>آیا در کارخانه کار می کنید</b></p>	<p>۵. <b>عَمِلَ</b>: کار کرد، عمل کرد لِمَ مَا عَمِلْتُمْ بَوَاجِبَاتِكُمْ؟ <b>چرا به تکالیفشان عمل نکردید</b> العُمَّالُ مَشْغُولُونَ بِالْعَمَلِ. <b>کارگران مشغول کار هستند</b></p>
<p><b>أ</b> (حرف، پرسشی، غیر عامل) <b>تَعْمَلُونَ</b> (فعل، مضارع، للمخاطبین، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») <b>فِي</b> (حرف، جر، عامل) <b>المصنع</b> (اسم، مفرد، مذکر، اسممکان، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)</p> <p><b>نکته:</b> فعل «عَمِلَ» فعل لازم است اما «عَمَلٌ» متعدی است</p>	<p><b>لِ</b> (حرف، جر، عامل) <b>مَ</b> (اسم، پرسشی، نکره / مجرور به حرف جر) <b>ما</b> (حرف، منفی، غیر عامل) <b>عَمِلْتُمْ</b> (فعل، ماضی، للمخاطبین، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «تم») <b>بِ</b> (حرف، جر، عامل) <b>واجبات</b> (اسم، جمع، مرث، سالم، اسم فاعل گروه اول، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) <b>كُم</b> (اسم / ضمیر متصل، للمخاطبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) <b>العُمَّالُ</b> (اسم، جمع، مكسر «تکسیر»، ومفرد «العامل» وهو مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مبتدا) <b>مَشْغُولُونَ</b> (اسم، جمع، مذکر، سالم، نکره / خبر از نوع مرد) <b>بِ</b> (حرف، جر، عامل) <b>العَمَلِ</b> (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)</p>
<p>إلهي لا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ. <b>خدایا با عدالتت با ما رفتار مکن</b></p>	<p>۶. <b>عَامِلٌ</b>: رفتار کرد إلهي عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ. <b>خدایا با مهربانیت با ما رفتار کن</b> كانوا يُعَامِلُونَنَا جَيِّدًا. <b>به خوبی با ما رفتار می کردند</b></p>

<p><b>إله</b> (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/ منادا) <b>ي</b>  ضمير / متصل، للمتكلم وحده / معرفه به  ضمير / مضاف اليه) <b>عامل</b> (فعل، امر، مخاطب، ثلاثي  مزيد در باب مفاعلة، متعدی، معلوم / جمله فعلیه  وفاعله ضمير مستتر «انت») <b>نا</b> (اسم / ضمير متصل  للمتكلم مع الغير، معرفه به ضمير / مفعول)  <b>ب</b> (حرف، جر، عامل) <b>فضيل</b> (اسم، مفرد، مذکر،  معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف  جر) <b>ك</b>: (اسم / ضمير متصل، للمخاطب، معرفه به  ضمير / مضاف اليه)  <b>كانوا</b> (افعال، ناقصه، للغائبين، ثلاثي مجرد / افعال  ناقصه واسمه ضمير بارز متصل «واو») <b>يُعاملون</b>  فعل، مضارع، للغائبين، لاثي مزيد در باب مفاعلة،  متعدی، معلوم / جمله فعلیه وفاعله ضمير بارز  متصل «واو» وخبر «كان») <b>نا</b> (اسم / ضمير متصل  للمتكلم مع الغير، معرفه به ضمير / مفعول) <b>جيداً</b>  (اسم، مفرد، مذکر، نكرة / مفعول)</p>	<p><b>إله</b> (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/ منادا) <b>ي</b>  ضمير / متصل، للمتكلم وحده / معرفه به  ضمير / مضاف اليه) <b>عامل</b> (فعل، امر، مخاطب، ثلاثي  مزيد در باب مفاعلة، متعدی، معلوم / جمله فعلیه  وفاعله ضمير مستتر «انت») <b>نا</b> (اسم / ضمير متصل  للمتكلم مع الغير، معرفه به ضمير / مفعول)  <b>ب</b> (حرف، جر، عامل) <b>فضيل</b> (اسم، مفرد، مذکر،  معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف  جر) <b>ك</b>: (اسم / ضمير متصل، للمخاطب، معرفه به  ضمير / مضاف اليه)  <b>كانوا</b> (افعال، ناقصه، للغائبين، ثلاثي مجرد / افعال  ناقصه واسمه ضمير بارز متصل «واو») <b>يُعاملون</b>  فعل، مضارع، للغائبين، لاثي مزيد در باب مفاعلة،  متعدی، معلوم / جمله فعلیه وفاعله ضمير بارز  متصل «واو» وخبر «كان») <b>نا</b> (اسم / ضمير متصل  للمتكلم مع الغير، معرفه به ضمير / مفعول) <b>جيداً</b>  (اسم، مفرد، مذکر، نكرة / مفعول)</p>
<p>قد يَذْكُرُ الأستاذُ تلاميذَه القُدَماءَ. <b>گاهی استاد</b>  <b>دانشجویان قدیمیش را یاد می کند</b></p>	<p>۷. ذَكَرْتُ: یاد کرد  <b>قد ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ: مؤمن پروردگارش را یاد کرده</b>  <b>است</b>  <b>ذُكِرَتْ بِالْخَيْرِ. به نیکی یاد شدی</b></p>
<p>قد (حرف، تقلیل، غیر عامل) يَذْكُرُ (فعل، مضارع،  لغائب، ثلاثي مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه  وفاعله «الأستاذ») اسم ظاهر (الأستاذ) (اسم، مفرد،  مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) تلاميذَه  اسم، جمع، مکسر «تکسیر» ومفرد «التلميذ» وهو  مذکر، معرفه به «اضافه» / مفعول) ه (اسم / ضمير  متصل، للغائب، معرفه به ضمير / مضاف  اليه) القُدَماءَ. (اسم، جمع، نکسر «تکسیر» ومفرد  «القديم» وهو مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد)</p> <p><b>اگر «قد» قبل از مضارع بیاید معنی «گاهی - شاید -  احتمال دارد - ممکن است» می دهد</b></p>	<p>قد (حرف، تحقیق، غیر عامل) <b>ذَكَرَ</b> (فعل، ماضی،  ثلاثي مجرد، للغائب، متعدی، معلوم / جمله فعلیه  وفاعله «المؤمن») از نوع اسم ظاهر) <b>المؤمن</b> (اسم،  مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» /  فاعل از نوع اسم ظاهر) <b>رَبِّ</b> (اسم، مفرد، مذکر، معرفه  به «اضافه» / مفعول) ه (اسم / ضمير متصل، للغائب،  معرفه به ضمير / مضاف اليه)  <b>ذُكِرَتْ</b> (فعل، مجهول، ماضی، ثلاثي مجرد، للغائب،  متعدی / جمله فعلیه ونائب فاعله ضمير بارز  متصل «ت») <b>ب</b> (حرف، جر، عامل) <b>الْخَيْرِ</b> (اسم،  مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)</p>
<p>سَيَتَذَكَّرُنَا المُدَرِّسُ. معلم ما را به یاد خواهد آورد</p>	<p>۸. تَذَكَّرَ به یاد آورد  <b>جَدِّي وَ جَدَّتِي تَذَكَّرَانِي. پدر بزرگ و مادر بزرگم مرا به</b>  <b>یاد آوردند</b>  <b>لا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي. ای هم شاگردیم تو را به یاد نمی</b>  <b>آورم</b></p>

<p><b>س</b> (حرف ، استقبال ، عامل) <b>يَتَذَكَّرُ</b> (فعل ، مضارع ، للغائب ، ثلاثي مزيد در باب تَفَعُّل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله <b>الْمُدْرَسُ</b> « از نوع اسم ظاهر) <b>تَا</b> ( اسم / ضمیر متصل مع الغیر ، معرفه به ضمیر / مفعول) <b>الْمُدْرَسُ</b> (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه دوم ، معرفه به «ال» / فاعل اسم ظاهر)</p>	<p><b>جَدَّ</b> (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «اضافه» / مبتدا) <b>ي</b> (اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) <b>وَ</b> (حرف ، عطف ، غیر عامل) <b>جَدَّة</b> (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «اضافه / معطوف) <b>ي</b> (اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) <b>تَذَكَّرَانَ</b> (فعل ، مضارع ، للغائبین ، ثلاثی مزيد در باب تَفَعُّل ، متعدی ، معلوم ، / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ا» / و خبر مبتدا) <b>ي</b> (اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده ، معرفه به ضمیر / مفعول) <b>لا</b> (حرف ، منفی ، غیر عامل) <b>أَتَذَكَّرُ</b> (فعل ، مضارع ، للمتکلم وحده ، ثلاثی مزيد در باب تَفَعُّل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنا») <b>كَي</b> (اسم / ضمیر متصل للمخاطب ، معرفه به ضمیر / مفعول) <b>يا</b> (حرف ، ندا ، غیر عامل) <b>زَمِيل</b> (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «اضافه» / منادا) <b>ي</b> (اسم / ضمیر متصل للمتکلم وحده ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)</p>
---	---

٦) **تَرْجِمَ** (فعل ، امر ، للمخاطب ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **التَّصَّصَ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مفعول) **التَّالِي** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم فاعل گروه اول ، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **ثُمَّ** (حرف ، عطف ، غیر عامل) **عَيْنِي** (فعل ، امر ، للمخاطب ، ثلاثی مزيد در باب تَفْعِيل ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **المَحَلَّ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم مکان ، معرفه به «ال» / مفعول) **الإعرابي** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **لِ** (حرف ، جر ، عامل) **ما** (اسم ، موصول ، معرفه به موصول / مجرور به حرف جر) **تَحْتَ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه / قید) **ه** (اسم / ضمیر متصل ، للغائب ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه - تحت خبر مقدم) **حَظَّ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، نکره / مبتدای مؤخر)

**سَمَكَةُ السَّهْمِ** ماهی تیر انداز  
**سَمَكَةُ السَّهْمِ مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ فِي الصَّبِيدِ**. إِنَّهَا تُطَلِّقُ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مُتَّالِيَةً مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ بِقُوَّةٍ تُشْبِهُ إِطْلَاقَ السَّهْمِ وَتُطَلِّقُ هَذَا السَّهْمَ الْمَائِيَّ فِي اتِّجَاهِ الْحَشْرَاتِ فَوْقَ الْمَاءِ وَعِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشْرَةُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ تَبْلُغُهَا حَيَّةً.  
 ماهی تیر انداز عجیب ترین ماهی ها در صید است. او قطره های آب را به صورت بی دربی با قدرتی که شبیه رهاساختن تیر است از دهانش به سوی هوا رها می کند و این تیر آبی را به سمت حشرات روی آب رها می کند و وقتی که حشره روی سطح آب می افتد، آن را زنده می بلعد

**سَمَكَةُ** (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به اضافه / مبتدا) **السَّهْمِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **مِنْ** (حرف ، جر ، عامل) **أَعْجَبِ** (اسم ، مفرد ، مذکر ، اسم تفضیل ، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر - من اعجب خبر برای سمکه از نوع جار و مجرور) **الْأَسْمَاكِ** (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرد «السمک» وهو مذکر ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **فِي** (حرف ، جر ، عامل) **الصَّبِيدِ**. (اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **إِنَّ** (حرف ، مشبیه بالفعل ، عامل) **ها** (اسم / ضمیر متصل ، للغائبة ، معرفه به ضمیر / اسم) **تُطَلِّقُ** (فعل ، مضارع ، للغائبة ، ثلاثی مزيد در باب اِفْعَال ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله

ضمير مستتر «هي» / خبر إنَّ ( **قَطْرَاتٍ** ) اسم ، جمع ، مؤنث ، سالم ، معرفة به «إضافة» / مفعول **الماء** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «ال» / مضاف إليه ) **مُتتَالِيَةً** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، اسم فاعل گروه دوم ، نکره / حال مفرد ) **مِنْ** ( حرف ، جر ، عامل ) **فِيمَ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «إضافة» / مجرور به حرف جر ) **ها** ( اسم / ضمير متصل ، للغائبة ، معرفة به ضمير / مضاف إليه ) **إِلَى** ( حرف ، جر ، عامل ) **الهَوَاءِ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «ال» / مجرور به حرف جر ) **بِ** ( حرف ، جر ، عامل ) **فُؤَّةٍ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / مجرور به حرف جر ) **تُشْبِهُ** ( فعل ، مضارع ، للغائبة ، ثلاثی مزید در باب إفعال ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمير مستتر «هي» و صفت جمله ) **إِطْلَاقٍ** ( اسم ، مصدر ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «إضافة» / مفعول ) **السَّهْمِ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «ال» / مضاف إليه ) **وَ** ( حرف ، عطف ، غیر عامل ) **تُطْلِقُ** ( فعل ، مضارع ، للغائبة ، ثلاثی مزید در باب إفعال ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمير مستتر «هي» و معطوف ) **هَذَا** ( اسم ، اشاره ، للقریب ، مفرد مذکر ، معرفة به ضمير / مفعول ) **السَّهْمِ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «ال» / تابع اسم اشاره ) **المَائِيَّ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «ال» / صفت مفرد ) **فِي** ( حرف ، جر ، عامل ) **اتَّجَمَ** ( اسم ، مصدر إفعال ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «إضافة» / مجرور به حرف جر ) **الحَشْرَاتِ** ( اسم ، جمع ، مؤنث ، سالم ، معرفة به «ال» / مضاف إليه ) **فَوْقَ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «إضافة» / قید ) **الماء** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «ال» / مضاف إليه ) **وَ عِنْدَمَا** ( اسم ، قید ) **تَسْقُطُ** ( فعل ، مضارع ، للغائبة ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الحَشْرَةُ» از نوع اسم ظاهر ) **الحَشْرَةُ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفة به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر ) **عَلَى** ( حرف ، جر ، عامل ) **سَطْحِ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «إضافة» / مجرور به حرف جر ) **الماء** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «ال» / مضاف إليه ) **تَبْلَغُ** ( فعل ، مضارع ، للغائبة ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمير مستتر «هي» ) **ها** ( اسم / ضمير متصل ، للغائبة ، معرفة به ضمير / مفعول ) **حَيَّةٍ** . ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / حال مفرد )

هُوَ أَسْمَاكُ الزَّيْنَةِ مُعْجِبُونَ بِهَذِهِ السَّمَكَةِ؛ وَلَكِنَّ تَغْدِيَّتَهَا صَعْبَةٌ عَلَيْهِمْ؛ لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ الْفَرَايِسَ الْحَيَّةَ  
علاقه مندان به ماهی های زینتی شیفته این ماهی هستند؛ ولی خوراک دادن به آنها برایشان سخت است؛ زیرا این ماهی ها دوست دارند که شکارهای زنده بخورند

کلماتی مانند «**هواة - قضاة - دعاة - زامة - عداة** ..» جمع مکسرند که مفردشان بوزن **اسم فاعل** می آید یعنی «**الهاوي - القاضي** ..» است

کلماتی مانند: «**تغذية - تسلية - تعذية - تزكية - تربية - تهنتة - توطئة - نهوة و ..**» مصدر باب **تفعيل** هستند باید آنها را حفظ کرد

توجه داشته باشید که «**سمكة**» جمعش می شود «**سمكات**» ولی «**سمك**» می شود «**اسماك**»

**هُوَأَة** ( اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرد «الهاوي» و هو مذکر ، اسم فاعل گروه اول / معرفة به «إضافة» / مبتدا ) **أَسْمَاكِ** ( اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرد «السمك» و هو مذکر ، معرفة به «ال» / مضاف إليه ) **الزَّيْنَةِ** ( اسم ، مفرد ، مذکر ، معرفة به «ال» / مضاف إليه ) **مُعْجِبُونَ** ( اسم ف جمع ، مذکر ، سالم ، اسم فاعل گروه دوم ، نکره / خبر از نوع مفرد ) **بِ** ( حرف ، جر ، عامل ) **هَذِهِ** ( اسم ، اشاره ، مفرد ، مؤنث ، للقریب ، معرفة به اسم اشاره / مجرور به حرف جر ) **السَّمَكَةِ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفة به ال / مضاف إليه ) **وَ لَكِنَّ** ( حرف ، مشابهة بالفعل ، عامل ) **تَغْدِيَّةٍ** ( اسم / مصدر ، مفرد ، مؤنث ، معرفة به «إضافة» / اسم «لَكِنَّ» ) **ها** ( اسم / ضمير متصل ، للغائبة ، معرفة به ضمير / مضاف إليه ) **صَعْبَةٌ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / خبر «لَكِنَّ» از نوع مفرد ) **عَلَى** ( حرف ، جر ، عامل ) **هِم** ( اسم ، ضمير متصل للغائبين ، معرفة به ضمير / مجرور به حرف جر ) **لِ** ( حرف ، جر ، عامل ) **أَنَّ** ( حرف ، مشابهة بالفعل ، عامل ) **ها** ( اسم ، ضمير متصل للغائبة ، معرفة به ضمير / اسم أَنَّ ) **تُحِبُّ** ( فعل ، مضارع ، للغائبة ، ثلاثی مزید در باب إفعال ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمير مستتر «هي» و خبر أَنَّ ) **أَنْ** ( حرف ، ناصبه ، عامل ) **تَأْكُلُ** ( فعل ، مضارع منصوب ، للغائبة ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمير مستتر «هي» ) **الْفَرَايِسَ** ( اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرد «الفريسة» و هي مؤنثة ، معرفة به «ال» / مفعول ) **الْحَيَّةِ** ( اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفة به «ال» / صفت مفرد ) .



## سَمَكَةُ التِّيَلِيَا

سَمَكَةُ التِّيَلِيَا مِنْ أَعْرَبِ الْأَسْمَاكِ تُدَافِعُ عَنْ صِغَارِهَا وَهِيَ تَسِيرُ مَعَهَا. إِنَّهَا تَعِيشُ فِي شَمَالِ إِفْرِيْقِيَا. وَ هَذِهِ السَّمَكَةُ تَبْلُغُ صِغَارَهَا (مفعول) عِنْدَ الْحَطَرِ؛ ثُمَّ تُخْرِجُهَا بَعْدَ زَوَالِهِ

ماهی تیلا یا از عجیب ترین ماهی هاست که از بچه هایش (نوزادانش، کوچولوهایش) در حالی که همراهان حرکت می کند دفاع می کند. او در شمال آفریقا زندگی می کند و این ماهی هنگام خطر بچه هایش را می بلعد؛ سپس پس از برطرف شدن خطر آنها را خارج می کند

**سَمَكَةُ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / مبتدا) **التِّيَلِيَا** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه) مِنْ (حرف، جر، عامل) **أَعْرَبِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر - من اعجب خبر برای سمکه از نوع جار و مجرور) **الْأَسْمَاكِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «السمک» وهو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **تُدَافِعُ** (فعل، مضارع، للغائبه، ثلاثی مزید در باب مفاعله، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» **عَنْ** (حرف، جر، عامل) **صِغَارِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الصغیر» وهو مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **هَا** (اسم، ضمیر متصل للغائبه، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **وَ** (حرف، حالیه، غیر عامل) **هِيَ** (اسم، ضمیر منفصل للغائبه، معرفه به ضمیر / مبتدا) **تَسِيرُ** (فعل، مضارع، للغائبه، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» و خبر برای مبتدا) **مَع** (اسم، مفرد، معرفه به «اضافه» / قید) **هَا**. (اسم، ضمیر متصل للغائبه، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **إِنَّ** (حرف، شبهه بالفعل، عامل) **هَا** (اسم، ضمیر متصل للغائبه، معرفه به ضمیر / اسم **إِنَّ** **تَعِيشُ** (فعل، مضارع، للغائبه، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» و خبر برای **إِنَّ**) **فِي** (حرف، جر، عامل) **شَمَالِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **إِفْرِيْقِيَا**. (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «علم» / مضاف الیه) **وَ هَذِهِ** (اسم، اشاره، للقریب، مفرد، مؤنث، معرفه به اسم اشاره / مبتدا) **السَّمَكَةُ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به ال» / تابع اسم اشاره) **تَبْلُغُ** (فعل، مضارع، للغائبه، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» و خبر برای مبتدا) **صِغَارِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الصغیر» وهو مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **هَا** (اسم، ضمیر متصل للغائبه، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **عِنْدَ** (اسم، قید) **الْحَطَرِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **ثُمَّ** (حرف، عطف، غیر عامل) **تُخْرِجُ** (فعل، مضارع، للغائبه، ثلاثی مزید در باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی») **هَا** (اسم، ضمیر متصل للغائبه، معرفه به ضمیر / مفعول) **بَعْدَ** (اسم، مفرد، معرفه به اضافه / قید) **زَوَالِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) **هَا**. (اسم، ضمیر متصل للغائبه، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

عَيْنِ «الْحَالِ» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ. حال را در عبارات های زیر مشخص کن

**عَيْنِ** (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») «**الْحَالِ**» (اسم، مفرد، مؤنث / مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **فِي** (حرف، جر، عامل) **الْعِبَارَاتِ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **التَّالِيَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

١. أَقْوَى النَّاسِ مَنْ انْتَصَرَ عَلَى غَضَبِهِ سَهْلًا. قویترین مردم کسی است که به آسانی بر خشمش پیروز شود

**أَقْوَى** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **النَّاسِ** (اسم، جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **مَنْ** (اسم، موصول، مذکر، معرفه به «موصول» / خبر مبتدا از نوع مفرد) **انْتَصَرَ** (فعل، ماضی، للغائبه، ثلاثی مزید در باب إفعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **عَلَى** (حرف، جر، عامل) **غَضَبِهِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **سَهْلًا**. (اسم، ضمیر متصل، للغائبه، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **سَهْلًا**. (اسم، مفرد، مذکر، نکره / حال مفرد)



۵. **بَيَّنِّي** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم، / جمله فعلیه و فاعله «المُحْسِنُ» المُحْسِنُ (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **حَيًّا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره/حال مفرد) **وَ** (حرف، وصلیه، غیر عامل) **إِنْ** (حرف شرط، عامل) **نُقِلَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله ضمیر مستتر «هو» و فعل شرط) **إِلَى** (حرف، جر، عامل) **مَنَازِلٍ** (اسم، جمع مکسر «تکسیر» و مفرد «المنزل» و هو مذکر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **أَلْمَواتِ**. (اسم، جمع مکسر «تکسیر» و مفرد «المیت / المیت» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۶. إِذَا طَلَبْتَ أَنْ تَنْجَحَ فِي عَمَلِكَ فَقُمْ بِهِ وَحَيْدًا وَلَا تَتَوَكَّلْ عَلَى النَّاسِ.

هر گاه بخواهی در کارت موفق بشوی به تنهایی به آن بپرداز و به مردم توکل نکن

**إِذَا** (اسم، شرط، / قید) **طَلَبْتَ** (فعل، ماضی، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ت» و فعل شرط) **أَنْ** (حرف، ناصبه، عامل) **تَنْجَحَ** (فعل، مضارع، للمخاطب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» **فِي** (حرف، جر، عامل) **عَمَلٍ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) **كَ** (اسم، / ضمیر متصل، للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **فَ** (حرف، جواب شرط، غیر عامل) **قُمْ** (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» - جواب شرط) **بِ** ((حرف، جر، عامل) **هَ** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **لَا** (حرف، نهی، عامل) **تَتَوَكَّلْ** (فعل، مضارع، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعّل، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» معطوف) **عَلَى** (حرف، جر، عامل) **النَّاسِ**. (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **ضَعْ خَطًّا تَحْتَ الْمُرْدِ وَ جَمِعِهِ**. خطی را زیر مفرد و جمعش قرار بده

توجه داشته باشید در این تمرین چون کلمات در داخل جمله نمی باشند دیگر نقشی برای آنها تعیین نمی شود

۱. **سَمَكَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره) / **سَمَكَاتٍ** (اسم، جمع، مؤنث سالم، نکره) /
۲. **ذِكْرِي** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره) / **ذِكْرِيَّاتٍ** (اسم، جمع مؤنث سالم، نکره) /
۳. **فَرِيَسَةٌ**، اسم، مفرد، مؤنث، نکره / **فَرَائِسٍ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده فَرِيَسَةٌ و هی مؤنث، نکره)
۴. **قُرْبَانٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره) / **قُرَابِينٍ**، اسم، جمع مکسر «تکسیر» و مفرده قُرْبَانٍ و هو مذکر، نکره
۵. **خَطِيئَةٌ**، اسم، مفرد، مؤنث، نکره / **أَخْطَاءٍ**، اسم، جمع مکسر «تکسیر» و مفرده خَطَأٌ و هو مذکر، نکره
۶. **طَعَامٍ** (اسم، مفرد، مذکر و جمعه «اطعمه» نکره) / **مَطَاعِمٍ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده مطعم و هو مذکر، اسم مکان، نکره)
۷. **دَعْوَةٌ**، (اسم، مفرد، مؤنث، نکره) / **دَعَوَاتٍ**: (اسم، جمع، مؤنث، نکره) /

۸. **كِتَابَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره) / **كِتَابَاتٌ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، نکره) /

۹. **شَعْبٌ** (اسم، مفرد، مذکر، وجمعه «شعوب»، نکره) / **شُعَبٌ** (اسم، جمع، مکسر، تکسیر) و مفرد «شعبة» و هی مؤنثه، نکره /

ممکن است «**عِظَامٌ**» جمع کلمه «**عَظِيمٌ**» نیز باشد بستگی به جمله دارد پس «**عِظَامٌ**» برای «**عَظِيمٌ**» و «**عَظِيمٌ**» می باشد

۱۰. **عَظْمٌ** (اسم، مفرد، مذکر، وجمعه «عظام»، نکره) / **أَعْظَامٌ** (اسم، جمع، مکسر، تکسیر) و مفرد «أعظم» و هو مذکر، اسم تفضیل، نکره /

۱۱. **تِمثالٌ** (اسم، مفرد، مذکر، وجمعه «تماثیل»، نکره) / **أَمْثَلَةٌ** (اسم، جمع، مکسر، تکسیر) و مفرد «مثال» و هو مذکر، نکره /

۱۲. **سِنٌّ** (اسم، مفرد، مؤنث، جمعه «اسنان» نکره) / **سِنَوَاتٌ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، و مفرد «سنة»، نکره) /

۱۳. **عَصْرٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره) / **عُصُورٌ** (اسم، جمع، مکسر، تکسیر) و مفرد «عصر» و هو مذکر، نکره /

۱۴. **صَنَمٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره) / **أَصْنَامٌ** (اسم، جمع، مکسر، تکسیر) و مفرد «صنم» و هو مذکر، نکره /

۱۵. **حَاجٌّ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره) / **حُجَّاجٌ** (اسم، جمع، مکسر، تکسیر) و مفرد «حاج» و هو مذکر، نکره

۱۶. **دَمْعٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره) / **دُمُوعٌ** (اسم، جمع، مکسر، تکسیر) و مفرد «دمع» و هو مذکر، نکره /

۱۷. **وَجْهٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره) / **وُجُوهُ** (اسم، جمع، مکسر، تکسیر) و مفرد «وجه» و هو مذکر، نکره /

۱۸. **بِنْتٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، جمعها «بنات» نکره) / **أَبْنَاءٌ** (اسم، جمع مکسر، تکسیر) و مفرد «ابن» و هو مذکر، نکره /

۱۹. **إِلَهٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره) / **أَلِهَةٌ** (اسم، جمع، مکسر، تکسیر) و مفرد «اله» و هو مذکر، نکره /

۲۰. **آيَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، جمعها «آیات» نکره) / **آيَاتٌ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، نکره) /